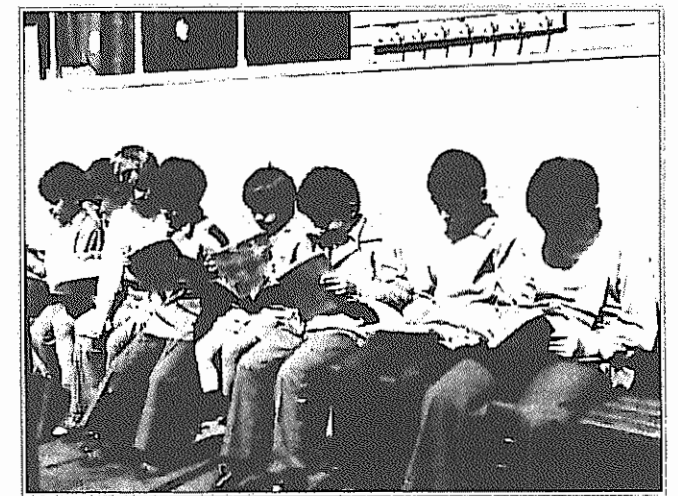


آغاز سال جدید تحصیلی

۱۸ میلیون دانش آموز در راه مدرسه

● کتابهای درسی آماده نیست، لوازم التحریر گران است، کفش و کیف و روپوش نو برای بسیاری دست نیافتنی است

روز ۲۵ شهریور طنین زنگ‌های مدارس، آغاز سال تحصیلی جدید را برای بیش از ۱۸ میلیون دانش‌خبر می‌دهند. روز ۲۳ شهریور ۸۷۰۰۰۰ کودک اولین روز آموزش و دانش‌اندوزی خود در مدرسه را تجربه خواهند کرد. قریب ۱/۵ میلیون دانشجو نیز تحصیلات عالی خود را به زودی



بچه در صفحه ۴

کنفرانس جهانی زنان در چین

قدرت سیاسی و اقتصادی
صلح و امنیت برای زنان

● ده‌ها هزار تن از نمایندگان زنان سراسر جهان در کنفرانس شرکت کرده‌اند
● زنان آزاده ایرانی، با حضور فعالانه خود در کنفرانس، سیمای زن ستیز رژیم را افشاء کردند

در طول سه هفته اخیر، چین میزبان بزرگترین گردهمایی جهانی زنان بود. چهارمین کنفرانس جهانی زنان که از ۴ سپتامبر در پکن آغاز شده است، تا ۱۵ سپتامبر ادامه خواهد یافت. در اجلاس پکن، نمایندگان ۱۷۸ کشور از مجموع ۱۸۵ کشور جهان شرکت دارند.

مهم‌ترین موضوعات کنفرانس جهانی زنان که از سوی سازمان ملل متحد برگزار می‌شود، عبارتند از دستیابی زنان به قدرت سیاسی و اقتصادی، تحقق صلح و امنیت به جای نظامی‌گری، فقر و خشونت علیه زنان، تأثیرات جهانی شدن اقتصاد و انقلاب تکنولوژیک، انواع بنیادگرایی و رسانه‌های گروهی.

که بتواند در ورای قوانین بازار آزاد عمل کند و به اموری مانند اصلاح ساختارها به سود زنان بپردازد و بودجه اختصاص دهد، به علت کسری موازنه پرداخت‌ها و دریافت‌های دولت‌ها دچار بحران است. در حالی که این عامل و نیز بیکاری میلیونی، بهبود وضعیت زنان در کشورهای "شمال" را دشوار کرده است، وضع در جنوب از این نیز بدتر است. اکثر کشورهای رشدیابنده در قیاس با دهه گذشته، دچار وابستگی بیشتری به شمال تروتمند و به ویژه ارگان‌هایی مانند صندوق بین‌المللی پول‌اند که اختصاص اعتبارهای بیشتر را منوط به کاهش بودجه‌های رفاهی و اجتماعی می‌کنند و خواهان اقتصاد صرفاً مبتنی بر قوانین بازار آزادند. تجربه نشان داده است که "اقتصاد بازار" به تنهایی راه افزایش نقش زنان در اقتصاد را که لازمه دولت رفاه اجتماعی، یعنی دولتی

رفیق بهزاد کریمی
در گفتگو با "کار"
خط مشی سیاسی در
کنگره چهارم
صفحه ۷

دروازه‌های کهن
فرو می‌ریزند
کامپیوتر، ابزاری
برای کنترل یا
وسيله‌ای رهایی بخش؟
صفحه ۶

بن بست ناشناخته
محیط زیست،
اگر دیر بجنبیم
نتایج فاجعه باری
در راه است
صفحه ۱۱

خطر استرداد، ۱۶۱ پناهجوی ایرانی رادر
ترکیه تهدید می‌کند

● پناهجویان تحسن کرده‌اند و از همه احزاب ایرانی کمک خواسته‌اند
● دولت ایران می‌خواهد افراد پ.کا.کا. را با پناهندگان ایرانی در ترکیه معاوضه کند

آن‌ها را غیر قانونی اعلام کرده است. همزمان با انعکاس خبر تحسن پناهجویان ایرانی در روزنامه‌های ترکیه، مقامات این کشور اعلام کردند که قصد استرداد این افراد به جمهوری اسلامی را ندارند. وزیر امور خدمات اجتماعی ترکیه گفت دولت این کشور به این مساله "با دید انسانی می‌نگرد و قصد تسهیل پناهنده‌ها را ندارد. نمایندگان پناهجویان متحصن، به خبرگزاری‌ها گفته‌اند که به این گونه سخنان هیچ اطمینانی ندارند و دولت ترکیه ممکن است آنها را هر لحظه به ایران بازگرداند.

بفیه در صفحه ۳

بغداد رژیم تهران را به اتحاد فراخواند

روزنامه: ورته اقتصادی و سیاسی ایران و عراق این امکان را به وجود می‌آورد که آنها به عنوان دو ابر قدرت منطقه، دست به دست هم دهند و آمریکا را از منطقه بیرون کنند. روزنامه‌های جمهوری اسلامی، به این دعوت‌ها واکنش محتاطانه‌ای نشان می‌دهند. روزنامه ابرار از سقوط احتمالی صدام حسین ابراز نگرانی کرد و این را مقدمه‌ای برای تلاش آمریکا برای سرنگونی جمهوری اسلامی نامید.

بفیه در صفحه ۸

در پی فرار حسین کامل، داماد صدام حسین و مسئول پروژه‌های اتمی وی به اردن، روزنامه‌های عراق بار دیگر لحن خود نسبت به جمهوری اسلامی را تغییر دادند و رژیم تهران را به همکاری و اتحاد دعوت کردند. دو روزنامه مهم جمهوری اسلامی و الشوره ارگان حزب بحث دولت عراق، از جمهوری اسلامی خواستند اختلافات خود با عراق را کنار بگذارد و با این کشور جنبه متحدی تشکیل دهد. جمهوری اسلامی نوشت: عراق و ایران می‌توانند حداقل یک ائتلاف تاکتیکی برقرار کنند. به نوشته این

به دنبال درج مقالات انتقادی علیه جماعتی
اوباش در برابر روزنامه سلام تظاهرات کردند

● سلام حملات اخیر را مرعوب کردن مخالفین در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی خواند

کتاب "خدایان دوشنبه‌ها" می‌خوانند، که دو هفته پیش به خاطر آن کتاب‌فروشی "مرغ امین" را به آتش کشیدند. به ده‌ها برابر قیمت در میان مردم دست به دست می‌گردد.

روزنامه سلام ضمن انتشار خبری در این مورد، نسبت به "پدیده کتاب سوزان" هشدار داد و تأکید کرد که این نخستین بار نیست که به مطبوعات و کتاب‌فروشی‌ها حمله می‌شود و دولت باید نسبت به عواقب این پدیده هشدار باشد. کتاب "خدایان دوشنبه‌ها" نوشته محمد رضا خوش بین خوش نظر، با اجازه وزارت ارشاد اجازه انتشار یافت. اما چندی بعد بر اثر اعتراض‌های تحریک‌آمیز روزنامه‌های کیهان و رسالت و هفته نامه "صبح" وزارت ارشاد کتاب مذکور را توقیف کرد. به تحریک همین روزنامه‌ها و برخی مقامات حکومت، اوباش وابسته به رژیم، کتاب "مرغ امین" را، ناشر کتاب مذکور را، روز ۳۱ مرداد ماه به آتش کشیدند و دو روز بعد، آیت‌الله جنتی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر و امام جمعه تهران، آتش زدن کتاب‌فروشی را از تریبون نماز جمعه مورد حمایت و پشتیبانی قرار داد.

روزنامه جمهوری اسلامی نیز خبر داد که گروهی از اوباش در خیابان ولی عصر علیه "بد حجابی" دست به تظاهرات زدند و خواهان شدت عمل با زنان "بد حجاب" شدند. نیروهای انتظامی در تظاهرات اوباش دخالتی نکردند.

اوباشی که مقابل روزنامه سلام اجتماع کرده بودند، همچنین اعلام کردند که به زودی در برابر رادیو و تلوویزیون و علیه سربال و سربازان قرار خواهند گرفت. به نوشته در صفحه ۴

جهان از چشم زنان

جهان در هفته‌های گذشته با شعارهای "جهان را از چشم زنان ببینید" و "صلح، توسعه و برابری" به استقبال کنفرانس جهانی زنان در چین رفت. کنفرانسی که بدنبال صدها نشست مقدماتی با شرکت صدها هزار تن از فعالان جنبش زنان در سراسر جهان تدارک دیده شده بود. نشستی که با فاصله ۱۰ ساله از نشست پیشین در نایروبی، و با کیفیتی اساساً متفاوت و بهتر با سه کنفرانس گذشته، برگزار شد. کیفیت بهتر به ویژه از آن رو حاصل شده بود که نمایندگان ۲۰۰۰ سازمان غیر دولتی از ۱۶۰ کشور جهان، گرد هم آمدند و فعالیت‌های خود را هم آهنگ کردند. هرچند که برای برگزاری این کنفرانس، مشکلات و محدودیت‌ها کم نبود، اما کنفرانس از زبان مدیر اجرایی آن و نیز تجمع سازمان‌های غیر دولتی، یک دیدار خارق‌العاده خوانده شد.

در قرن گذشته مارکس، فرزانة بزرگ، معیار سنجش و سنگ محک پیشرفت و آزادی هر جامعه را میزان آزادی و برابری زنان در جامعه دانسته بود. در آستانه‌ی قرن بیست و یکم، آنچه مارکس گفته بود، با عباراتی مشابه در سخنان سخنرانان متعدده با گرایش‌های مختلف عقیدتی، از خسانم کلینتون همسر رئیس جمهور آمریکا تا تحول‌طلب‌ترین شرکت‌کنندگان، تکرار شد.

کنفرانس با بررسی انتقادی اهدافی که در سال ۱۹۸۵ در نایروبی تا سال ۲۰۰۰ تعیین شده است، برنامه‌ی عملی واقعی و قابل سنجشی را که هر زن عادی می‌تواند خود به عهده گیرد یا از دولت‌ها بخواهد، در ۸ عرصه‌ی: اشتراک در قدرت، تعهد به حقوق زنان، فقر، مشارک اقتصادی، دسترسی به آموزش، بهداشت و اشتغال، خشونت و تأثیرات درگیری‌های مسلحانه در زندگی زنان، در دستور قرار داد و آنها را بررسی نمود. کنفرانس در حوزه‌ی قانونی حقوق برابر برای زنان، محو بردگی و فحشا، حداقل سن قانونی برای ازدواج و مجازات کشتن نوزاد دختر را خواستار شد و در عرصه‌های اجتماعی، دسترسی تمام زنان به مرخصی زایمان، مراقبت‌های بهداشتی دوران بارداری، تنظیم خانواده، تغذیه و آموزش و افزایش بودجه‌ی ملی برای بهداشت و منع خشونت علیه زنان و جلوگیری از ختنه دختران را طلب کرد. اینها همه اهداف بزرگی است که دستیابی به آنها تا ۵ سال دیگر بعید می‌نماید با این وجود زنان شرکت کننده با یکدیگر عهد کردند که تلاششان را در راستای رسیدن به این اهداف هم‌آهنگ سازند.

اینک جهان‌بینی می‌دانند که با انجام کدام اقدامات، گام‌هایی موثر برای پایان دادن به ستم و تبعیض جنسی برداشته خواهد شد. اما آیا جهان قادر است و آمادگی آن را دارد که به این ستم و تبعیض ننگ آور پایان دهد؟ پرسش اساسی در اینجا است. اراده‌های آهین و تغییراتی زرف در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی لازم است تا گام‌هایی اساسی در این راه برداشته شود.

باید کوشید با تقویت جنبش دموکراتیک زنان، برای تحقق آن چه در پکن تعیین شد، گام برداشت. بدون تردید پایان بخشیدن به تبعیض و ستم جنسی، نیازمند آگاهی و گام‌های استوار همه بشریت و دست کم بشریت آزادی‌خواه است، تا جهان بتواند در آغاز قرن بیست و یکم بر خود بیبالد که رفع ستم و تبعیض جنسی دیگر یک رویا نیست، در چشم انداز است.

تظاهرات علیه روزنامه سلام
روز چهارشنبه ۹ شهریور،
اوباش وابسته به رژیم در برابر دفتر
روزنامه سلام گرد آمدند و به

در آستانه انتخابات مجلس ۱۵۲ فرماندار تغییر کردند

بنا به گزارش علیرضا تابش معاون سیاسی وزارت کشور، در سال گذشته ۱۵۲ فرماندار و ۳۲۶ بخشدار از سمت خود عزل شدند و جای آنان را فرمانداران و بخشدار جدید گرفتند.

محتشمی وزیر کشور سابق در مصاحبه با روزنامه صبح هدف از تغییرات گسترده در فرمانداریها و بخشداریهای سراسر کشور را در آستانه انتخابات، اعمال نمود در انتخابات دوره پنجم مجلس

شورای اسلامی و حذف مخالفین ارزیابی کرد.

علی محمد بشارتی وزیر کشور در رد اظهارات محتشمی و سایر معترضین گفت: انتصاب‌های جدید در وزارت کشور ارتباطی با انتخابات مجلس ندارد و یک امر معمول اداری است.

به گفته معاون سیاسی و اجتماعی وزارت کشور، انتخابات مجلس شورای اسلامی روز اول اسفند سال جاری در سراسر کشور

در ۱۹۶ حوزه انتخاباتی و در ۳ هزار شعبه اخذ رای برگزار می‌شود ۵۰ حوزه به اقلیت‌های دینی اختصاص دارد.

جامعه روحانیت مبارز که از امکانات وسیع مالی و تبلیغاتی، حمایت دولت و مقاماتاران حزب‌الله برخوردار است برای شرکت در انتخابات مجلس، رسماً اعلام آمادگی کرد. ناطق نوری گفت: روحانیت مبارز چون گذشته حضور سیاسی فعال و پر قدرت در

جامعه و نیز در انتخابات دوره پنجم مجلس خواهد داشت. دولت تاکنون برای رفع موانع حضور سایر نیروهایی که خواهان شرکت در این دوره از انتخابات هستند، نه تنها اقدامی انجام نداده بلکه برای جلوگیری از حضور آنان "موانع قانونی ایجاد کرده و فشار اوپایش جهت اقدار حزب‌الله که از حمایت رسمی اعضای شورای نگهبان برخوردارند، علیه این نیروها کیفیت تازه‌ای یافته است.

قدرت اقتصادی، صلح و امنیت برای زنان

بقیه از صفحه ۱

رشد همه‌جانبه امکانات برای زنان است، نمی‌گشاید.

عامل دیگری که کار کنفرانس پکن را دشوار می‌کند، قصد اعلام شده بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای اسلامی است مبنی بر اینکه سنت‌های فرهنگی و مذهبی "را فدای حقوق جهان شمول زنان نخواهند کرد.

گردهمایی سازمانهای غیردولتی

گروه‌هایی سازمان‌های غیردولتی، پیش از افتتاح بخش رسمی کنفرانس که در پکن و با حضور نمایندگان دولت‌ها تشکیل گردید، در شهر هوانگپو واقع در ۷۰ کیلومتری پکن برگزار شد. شخصیت‌های برجسته جنبش زنان مانند الابهات مؤسس هندی بانک تعاونی زنان، گلوپا ستاینم رئیس یک بنیاد زنان در آمریکا و شارلوت بانج نماینده یک جمعیت دفاع از حقوق زنان، در کنفرانس پکن حضور داشتند و موفق شدند سازمان ملل را وادارند اعمال خشونت علیه زنان را به عنوان یکی از موارد نقض حقوق بشر در دستور کار خود قرار دهد.

گروه‌هایی چین، چهارمین کنفرانس جهانی زنان سازمان ملل بود. این کنفرانس‌ها هر ده سال یک بار تشکیل می‌شود. کنفرانس سوم، در سال ۱۹۸۵ در نیویورک پایتخت کوبا برگزار شد و مهم‌ترین دستاورد آن، پذیرش رسمی نقش جنبش‌های غیردولتی زنان از سوی سازمان ملل و ایجاد پیوند بین جنبش‌های زنان در شمال و جنوب جهان بود. از هنگام برگزاری کنفرانس نیویورک بدین سو، نمایندگان جنبش‌های زنان کشورهای مختلف، در ارگان‌هایی در جنب سازمان ملل متشکل شده‌اند و توانسته‌اند ضمن شرکت در همه کنفرانس‌های بین‌المللی سال‌های اخیر که به نحوی به مسائل زنان مربوط می‌شده است، موضوعات مورد علاقه زنان جهان را در دستور کار این گروه‌هایی بگذارند.

نمایندگان زنان جهان از فرصت گروه‌هایی چین برای جلب توجه افکار عمومی بین‌المللی به مسائل مورد علاقه خود، تأکید بر ضرورت ادامه مبارزه علیه مردسالاری و تبادل تجربه استفاده کردند.

گروه‌هایی

سازمانهای غیردولتی

پیش‌نویس برنامه عمل، اعلام کرد. در این جمله آمده است حق زنان در کنترل تعداد فرزندانشان، مبنای تحقق سایر حقوق آنهاست.

در قاهره، روحانیون طراز اول دانشگاه الازهر که مهم‌ترین مراجع مذهبی مسلمانان اهل سنت محسوب می‌شوند، مخالفت خود را با کنفرانس پکن اعلام کرده‌اند. مفتی اعظم عربستان سعودی نیز ضمن تأیید موضع الازهر، گفته است کنفرانس پکن از طریق تبلیغ آزادی جنسی، به فروپاشی خانواده کمک می‌کند. بدین ترتیب این بار نیز مسانند کنفرانس جمعیت در قاهره، مرجعین مذهبی مسیحی و مسلمان، علیه حقوق زنان هم‌صدا شده‌اند.

جمهوری اسلامی در پکن

جمهوری اسلامی کنفرانس را تحریم نکرد. یک هیئت ۱۰۵ نفره از سوی رژیم به این کنفرانس اعزام شدند که ظاهراً تنها ۳۰ نفر آنها از نهادهای دولتی بودند. پیشنهادهای حکومت تهران برای سند اصلی کنفرانس تأکید بر تحکیم نقش خانواده و تأکید بر نقش مثبت و موثر مذهب در پیشبرد وضعیت زنان بوده است. هیئت ایرانی، بنا به درخواست کمیسیون زنان سازمان ملل متحد، گزارشی از آخرین اطلاعات مربوط به شرکت زنان ایرانی در فرایندهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی تهیه کرده و در کنفرانس ارائه داد.

این هیئت برای مخفی نمودن سیمای ضد زن جمهوری اسلامی به تلاش‌های وسیعی دست زد و نمایشگاه‌هایی در باره مظلومیت زنان و کودکان بوسنیایی برپا کرد. ریاست این هیئت بر عهده زهرا مصطفوی، دختر خمینی است.

زنان ایرانی

در کنفرانس غیردولتی

زنان ایرانی خارج از کشور نیز برای مقابله با تبلیغات رژیم و رساندن صدای زنان آزاده ایرانی به گوش جهانیان، عازم پکن شدند. از جمله این زنان مهناز افخمی، جمیله ندایی، پروین دارابی، اکرم میر حسینی و مهشید امیر شاهی بودند. زنان ایرانی مخالف رژیم با تشکیل گروه دفاع از حقوق زنان در جمهوری اسلامی، فعالیت مشترکی را در جهت نشان دادن موقعیت واقعی زنان در ایران و ستمی که جمهوری اسلامی بر آنان روا می‌دارد، پیش بردند. هیئت دیگری از زنان ایرانی به سرپرستی خانم متین دفتری نیز در کنفرانس شرکت کرد.

در جریان جلسات، بین هیأت دولت‌ها در مورد محتوای این سند اختلاف بروز کرد. هیأت واتیکان با اینکه اعلام کرده بود نمی‌خواهد مانند کنفرانس جمعیت در قاهره، موضوع سقط جنین را به یک موضوع اصلی تبدیل کند، مخالفت شدید خود را با یک عمل جمله در

هم‌صدایی مرتجعان

مسیحی و مسلمان

یکی از اسناد مورد بحث در بخش رسمی کنفرانس، برنامه عمل برای تقویت نقش زنان و دفاع از حقوق آنان بود. از همان آغاز کار کنفرانس، بین هیأت‌های نمایندگی دولت‌ها در مورد محتوای این سند اختلاف بروز کرد. هیأت واتیکان با اینکه اعلام کرده بود نمی‌خواهد مانند کنفرانس جمعیت در قاهره، موضوع سقط جنین را به یک موضوع اصلی تبدیل کند، مخالفت شدید خود را با یک عمل جمله در

آمریکابر حضور نظامی خود در خلیج فارس می‌افزاید این همه ناو و هواپیمای جنگی در منطقه ما چه می‌خواهند؟

میان آمریکا و خلیج فارس هزاران کیلومتر فاصله است. اما نیروهای نظامی آمریکا مجهز به پیشرفته‌ترین سلاحهای جنگی در قلب خلیج فارس در حال جولانند. آمریکا حضور خود را در آن‌بهای خلیج فارس و کشورهای منطقه با تحولات عراق و سیاست خارجی جمهوری اسلامی و دفاع از منافع خود، توجیه می‌کند. با همین استدلال کشورهای عربستان سعودی، کویت، قطر، ترکیه، پاکستان، بحرین، امارات متحده عربی به بزرگترین انبار تسلیحات مخرب نظامی آمریکا در منطقه تبدیل شده‌اند. حادثه کوچکی کافی است تا بهانه آن آمریکا چندین کشتی و هواپیمای جنگی تازه‌ای را به منطقه اعزام کند.

هفته گذشته ۱۲ کشتی جنگی و هزاران تفنگدار دریایی به بهانه فرار داماد صدام حسین به اردن، بر شمار نیروهای نظامی آمریکا در منطقه افزوده شدند. کسانی که از اوضاع درون عراق اطلاعاتی دارند، و به یقین آمریکا بیش از هر کسی، می‌دانند که فرار داماد صدام حسین و مسئول پروژه‌های اتمی وی به اردن، به ضرر عراق و به نفع سیاست منطقه‌ای آمریکا بود و چنان حادثه‌ای نبود که به شورش غیرمترقبه بیانجامد، منطقه را بی‌ثبات سازد و به دخالت آمریکا نیاز باشد. پیش از آن که پای حسین کامل به خاک اردن برسد، پنتاگون به ناو هواپیمابر ابراهام لینکلن دستور داد فوراً وارد خلیج فارس شود. روز ششم شهریور، بزرگترین ناو جنگی آمریکا در خلیج فارس بود، با ۲۰۰ هواپیمای جنگی بر عرشه آن و هزاران تفنگدار در حال آماده باش.

تفویت نیروهای دریایی و زمینی آمریکا در خلیج فارس هم چنان ادامه دارد. هم اینک ۴۳ فروند کشتی جنگی و ناو هواپیمابر ابراهام لینکلن در شمال خلیج فارس در شمال بحرین مستقر هستند. قرار است نیروهای آمریکا در روزهای آینده با سربازان کویتی مانور نظامی انجام دهند. زمان اجرای مانور قبلاً آبان ماه تعیین شده بود اما پنتاگون آن را جلو کشید. در این مانور که ۴۵ روز ادامه می‌یابد ۳۰ هزار تفنگدار دریایی آمریکا شرکت دارند. انواع هواپیمای مدرن و نانکیهای پیشرفته MI و MI و نفربرهای زرهی از نوع برادلی بکار گرفته خواهند شد. شمار دیگری از کشتی‌های جنگی که حامل جنگ افزارهای سنگین هستند، به سوی تنگه هرمز در راهند.

تمرکز این همه نیروی نظامی و این همه سلاح مخرب در خلیج فارس برای چیست؟ حتی طرفداران سیاست منطقه‌ای آمریکا نیز با این سوال مواجه‌اند.

مخالفت با تروریسم و مخالفت با گسترش تسلیحات هسته‌ای، آری! اما خلیج فارس نباید به مرکز استقرار جنگ‌افزارهای آمریکا تبدیل شود.

روی داشت، تحت شعاع این موضوع قرار دهند. این تلاش‌ها به هنگام برگزاری کنفرانس به اوج رسید و بخش مهمی از اخبار و گزارش‌های خبرگزاری‌ها را به خود اختصاص داد.

از جمله موضوعات دیگری که خبرگزاری‌ها بسیار به آن علاقه داشتند، شرکت خانم هیلاری کلینتون همسر رئیس‌جمهور آمریکا در این کنفرانس بود. رفتار و کردار و گفتار او شاید بسیار بیشتر از ده‌ها موضوع حساسی که در کنفرانس طرح شد، مورد توجه خبرگزاری‌ها قرار گرفت و از آن عکس و خبر مخابره شد.

"فراموش نکن که منشاء فساد هستی...!"

رژیم نمایندگان خود را با هیاهوی بسیار به پکن فرستاد تا داعیه "رعایت همه جانبه حقوق زن در جمهوری اسلامی" را به گوش جهانیان برسانند. آن چه در زیر آمده است، تنها تصویر کوچکی از رعایت این "حقوق" است:

روی یکی از دیوارهای دانشگاه "الزهر" این نوشته شده است: "خواهرم حجاب را حفظ کن تا پای من نلغزد. این شعار به تنهایی خود بسزاداشت رژیم را از زنان، این نگاهکاران بالفعل و بالقوه که همواره در پی به فساد کشاندن "من یعنی همان مردان هستند نشان می‌دهد. در اغلب ساختمانهای دولتی در ورودی "خواهران" از در ورودی برادران مجزا است. همچنان که در اتوبوس‌ها، قسمت خواههران و در ورودی آنان مجزا می‌باشند. از طرف "آدره اماکن عمومی" به همه مغازه‌ها، رستورانها، و ... دیکته شده است که روی در ورودی نوشته‌هایی با مضمون "ورود بی حجاب به این مکان ممنوع است" نصب شود. اغلب تصاویری هم در کنار این نوشته‌ها دیده می‌شود که حجاب را با جادر یا مقنعه نشان می‌دهد.

در ادارات دولتی هم برای کارمندان و هم مراجعه‌کنندگان، حجاب یعنی مانتوی تیره بپوشند و مقنعه تیره با جادر اجباری است. البته در برخی ادارات مراجعه‌کنندگان زن فقط با جادر پذیرفته می‌شوند، اغلب در نگهبانی این ادارات جاده‌هایی نگاهداری می‌شود که در صورت لزوم به مراجعه‌کنندگان قرض داده شود تا آقایان در این ادارات با دیدن زنان با حجاب بدون جادر، دچار ناراحتی نشوند. در خیابانها تابلوهایی با مضمون "اشاره‌ای و تهدیدکننده صب شده است که مریای حجاب را بر می‌شمرد و زنان را از بند حجابی که منشا فساد است برهیز می‌دارد. تشکیلاتی بنام "آدره اماکن عمومی" که به‌طور خلاصه به آن "آمریکای می‌گویند هر چند وقت یکبار فروشگاهها و رستورانها و سایر اماکن را به این دلیل که در آنها حجاب رعایت نشده است، می‌بندد. در بسیاری از دبیرستانهای دخترانه و دانشگاههای آزاد شهرستانها، دختران باید اجباراً با جادر حاضر شوند و جابگویی پوشش خود در خارج از دانشگاه نیز مسئله هم زنان و هم مردان است.

چهل و هشتمین سالگرد بنیانگذاری حزب ملت ایران

حزب در پیروزی انقلاب در باره جمهوری اسلامی آمده است:

"آنچه زیر نام جمهوری اسلامی با قانون اساسی یرتقض بر انقلاب بازگردید و در آن بهایی بایسته به "حاکمیت ملی" داده نشد، نتوانست هیچ دگرگونی درخوری در رابطه‌های اقتصادی و اجتماعی و هیچ نوآوری سیاسی و پسویای فرهنگی پدید آورد و فرصت‌های تاریخی بسیاری را هم از ایرانیان در ربود.

در بحران دهشتناکی که این کهن‌بوم ویر را در خود فرو برده است درنگ بیشتر روا نیست و باید طومار قلدری را در هم پیچید و خواستار برقراری مردم سالاری شد که به عنوان تنها شیوه درست کشورداری جز با برگزاری یک گزینش ملی نمی‌توان به آن دست یافت."

خطر استرداد ۱۶۱ پناهجوی...

اسلامی نام ۱۰۰ نفر از پناهجویان ایرانی در ترکیه را در اختیار دولت این کشور قرار داده و از مقامات این کشور خواسته است که این افراد را در قبال استرداد اعضای حزب کارگران کرد ترکیه، به ایران تحویل دهند.

پناهجویان متحصن ایرانی گفته‌اند تا زمانی که قدرت داشته باشند، به اعتراض و تحصن خود ادامه خواهند داد. این افراد همه گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و دموکرات ایران را به یاری طلبیده‌اند تا مانع استرداد آنان به جمهوری اسلامی شوند.

پانزدهم شهریور سرآغاز چهل و نهمین سال فعالیت حزب ملت ایران است. این حزب هدف خود را استقلال، حاکمیت مردم، آزادی و آبادی میهن قرار داده است. حزب در پیجوجه جنگ دوم جهانی در شرایطی که ایران از همه سو در معرض هجوم بود به دست عده‌ای از جوانان وطن‌پرست پایه‌ریزی شد. در سال‌های اخیر حزب ملت ایران بر فعالیت‌های خود برای استقرار آزادیهای سیاسی افزوده است.

به مناسبت چهل و هشتمین سالگرد بنیانگذاری حزب ملت ایران، پیامی از سوی حزب با عنوان "پیکار خستگی‌ناپذیر صادر شد. در این پیام، شکل‌گیری و دوام حزب ملت ایران، ضرورت تاریخ، پاسخ به نیاز ملی ما و پیکار پیگیر در راه مردم‌سالاری توصیف شد. در این پیام با اشاره به نقش

بقیه از صفحه ۱

بنا به گزارش‌های رسیده، محل تحصن پناهندگان در محاصره پلیس قرار دارد. آقای حسینی، یکی از نمایندگان پناهجویان در مصاحبه با بخش "آرشیو" رادیو آمریکا گفت که پلیس ترکیه آنها و مسئولان حزب سوسیالیست متحده ترکیه را برای پایان دادن به تحصن، تحت فشار قرار داده است. پلیس از متحصنین خواسته است که به اعتراض خود پایان بدهند و به شهرستان‌های محل اقامت خود بازگردند.

برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که حکومت جمهوری

۳۰۰ قلم داروی حیاتی از لیست بیمه حذف شد

مصرف بسیاری از این داروها در مورد بیماری مدت‌ها ادامه دارد، فشار حذف آن‌ها از لیست داروهای بیمه‌ای بر مردم شدتیر از آن خواهد بود که در نگاه اول به چشم می‌خورد

برخی از مسئولین داروخانه‌ها گفتند در صورت اجرای این بخشنامه، وزارت بهداشت طی بخشنامه‌ای دیگر از پزشکان بخواهد که از پیچیدن نسخه‌های حاوی داروهای حذف شده از لیست خودداری کنند تا از زندگی‌های بی‌سرانجام بیماران جلوگیری شود.

یکی از دست‌اندرکاران امور دارویی دولت در توضیح پیرامون لیست داروهای حذف شده گفت تعدادی از این داروها، داروهای تکراری بوده‌اند و نمونه‌های مشابه آن‌ها در بازار موجودند. وی در مورد داروهای نام‌برده در بالا گفت ترتیباتی اتخاذ خواهد شد که

بیماران نیازمند این داروها را سوبسید دولتی برخوردار شوند. از سوی دیگر یکی از مسئولین وزارت بهداشت در کوشش برای توجیه این بخشنامه گفت، بخشنامه به روال هر ساله و پس از تصویب لیست داروهای بیمه‌ای از سوی هیئت دولت صادر شده است. با این حال تلاش خواهد شد که برخی از داروهای اساسی باز دیگر در لیست داروهای پرداختی از سوی بیمه قرار گیرد.

حذف ۳۰۰ قلم دارو از لیست داروهای بیمه‌ای در شرایطی صورت می‌گیرد که در عرض یک سال از فروردین ۷۳ تا فروردین ۷۴ حق بیمه کارگران از سوی سازمان تامین اجتماعی سه‌بار افزایش یافته است. در مجموع این سه بار حق بیمه مذکور ۱۹۶۰۰ ریال یعنی بالغ بر صددرصد افزایش یافته است و اکنون با احتساب سهم کارفرما ماهانه بالغ بر ۱۵ هزار تومان بابت

معاونت دارو و درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی طی بخشنامه‌ای که برای داروخانه‌های کشور ارسال داشت، حدود ۳۰۰ قلم داروی حیاتی را از سیاهه داروهای که بهای آن را می‌پرداخت را حذف کرد. مهم‌ترین داروها از میان این ۳۰۰ قلم، هورمون رشد، داروهای مربوط به بیماران هموفیلی، تالاسمی و سرطانی و گروهی دیگر از داروهای گران قیمت می‌باشند. برخی از داروخانه‌ها خواستار تجدید نظر در این تصمیم وزارت بهداشت شدند. در صورت اجرای این تصمیم بسیاری از مبتلایان به این بیماری‌ها به هیچ وجه قادر به تهیه داروهای مورد نیاز خود نخواهند شد. بنا بر برآورد مسئولین داروخانه‌ها، در این صورت هزینه داروی برخی از بیماران ماهانه به حداقل ۴۰ و حداکثر ۱۵۰ هزار تومان بالغ خواهد شد. با توجه به این نکته که

۱۸ میلیون دانش آموز در راه مدرسه

بی‌شماری برای آموزش‌های دینی و آموزش زبان عربی که تقریباً هیچگاه به کنار دانش‌آموزان نمی‌آید، تلف می‌شود.

مقاومت بخش بزرگی از دانش‌آموزان و دانشجویان در مقابل آموزش‌ها و موازین تحمیلی رژیم در محیط‌های آموزشی و تعارض این تحمیلات با آموزش‌ها و فرهنگ خانواده، دانش‌آموزان را از همان آغاز، دوچهره‌ای می‌پروراند: آنان یاد می‌گیرند در بیرون از خانه نه آنگونه که هستند بلکه آنگونه که برایشان مشکل آفرین نباشد جلوه کنند. جمهوری اسلامی فرهنگ دورویی و تظاهر را به گستردگی در محیط‌های کار و آموزش رواج می‌دهد.

پیشبرد روش‌های ارتجاعی و اعمال تحمیلات گوناگون به دانش‌آموزان دختر و در مدارس دخترانه شدیدتر، گسترده‌تر و دارای گستره وسیعتری است.

در آغاز سال تحصیلی جدید باید نارسائی‌ها و اشکالات متعدد دیگر در امور و محیط‌های آموزشی را نیز به یاد آورد. نارسائی‌هایی همچون کمبود کتب آموزشی، طبقاتی شدن روزافزون نظام آموزشی، پولی شدن تحصیل و اخذ تقریباً همگانی شهریه‌های گزاف تحت عنوان خودیاری اولیا، کم ارتباط بودن آموزش با نیازهای علم و صنعت و تولید در جامعه و این را نیز همواره باید به یاد داشت که:

شادی آغاز تحصیل برای قریب ۸۷۰۰۰۰ کودک با این واقعیت تلخ همراه است که تقریباً دویزدهم همین تعداد کودک از امکان آموزش ابتدایی محرومند.

بقیه از صفحه ۱

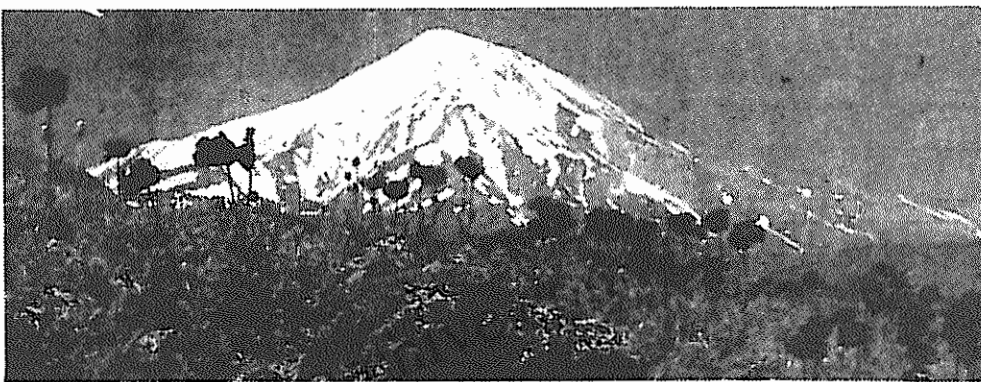
تحسین انگیز جوانان و نوجوانان کشور برای فراگیری با هدف و افزایش شانس خود در کسب تحصیلات عالی و ایجاد چشم‌انداز برای آینده خود، مستأسفانه همراه است با تسلط اندیشه و منشی عقب‌مانده و ضد علمی بر حیات و برنامه‌ریزی نظام آموزشی کشور. نظامی که در وهله نخست نه برآوردن آن شوق و پاسخگویی به نیازهای علمی، فنی و حرفه‌ای کشور را مد نظر دارد و نه گسترش فرهنگ انسانی و پیشرو را، بلکه در اساس بر سازماندهی آموزش بر پایه ایدئولوژی حاکم و راستای نیازهای حکومتی و حکومتگران متکی است.

کاربرد شیوه‌های تربیتی غلط، رواج خشونت، بکارگیری روش‌های آمرانه و تحکمی در محیط‌های آموزشی و مضامین آموزش‌های ارائه شده، در سطوح معینی به تثبیت و عادی شمردن این منش‌ها در اذهان دانش‌آموزان انجامیده و آموخته‌های در خانواده پدرسالار را در جامعه گسترش داده و تداوم بخشیده است.

در بهترین سال‌های فراگیری، در موسسات آموزشی تلاش می‌شود خرافاتی‌ترین و عقب‌مانده‌ترین اندیشه‌ها در مغزهای دانش‌آموزان نشانداده شود. این آموزش‌ها حتی در شرایط مقاومت دانش‌آموزان و نفی آنها، اثرات مخرب خود را بر جای نهاده است. این اثرات به سادگی زودونی نیست. خلاصه ناشی از عدم یادگیری و کسب دانستی‌های ضروری شاید هیچگاه قابل جبران نباشد.

ساعات‌های آموزشی

دماوند یک پله سقوط کرد!



گروهی از نقشه برداران با استفاده از ابزار دقیق ارتفاعسنجی، اقدام به اندازه‌گیری دوباره قله دماوند کردند. مطابق نتیجه‌ای که این هیئت به دست آورده است، ارتفاع دماوند ۶۵ متر و ۵۳ سانتی‌متر کوتاه‌تر از آن است که تا به حال تصور می‌شد. بر اساس اندازه‌گیری جدید، دماوند ۵ هزار و ۶۱۰ متر و ۲۷ سانتی‌متر بلندی دارد. با این حساب دماوند عنوان سوم خود را، بعد از قله سر به فلک کشیده هیمالیا و قله کلیمانجارو، در نیمکره شرقی از دست می‌دهد و یک پله پایین‌تر از قله البروس در رشته‌کوه‌های قفاز در گرجستان قرار می‌گیرد.

شیخ علی تهرانی محاکمه می‌شود

روز شنبه ۱۱ شهریور، علی فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت در یک گفتگوی مطبوعاتی اعلام کرد که رسیدگی به پرونده شیخ علی تهرانی به اتمام رسیده و بناست وی در دادگاه محاکمه شود. "تاریخ محاکمه و دادگاهی که باید محاکمه در آن صورت گیرد، اعلام نشد.

شیخ علی تهرانی شوهر خواهر سید علی خامنه‌ای یکی از باسابقه‌ترین روحانیون مخالف رژیم است. وی از نخستین روزهای انقلاب با خمینی و خامنه‌ای درافتاد و علناً علیه جنگ و سیاست رژیم مخالفت کرد. در سال ۶۳ بر اثر فشار جمهوری اسلامی وادار به ترک کشور شد و به عراق پناه برد. طی ۱۱ سال اقامت در کربلا و نجف، از طریق سخنرانی، مصاحبه، نوشته به مخالفت خود با خمینی و خامنه‌ای ادامه داد.

در خرداد ماه گذشته در پی دیدار مسئولان سیاسی و امنیتی رژیم از بغداد، علی فلاحیان وزیر اطلاعات، اعلام کرد شیخ علی تهرانی خود را به ماموران امنیتی معرفی کرده و به ایران بازگشته است. در همان زمان فرزند شیخ علی تهرانی در پاریس در گفتگو با رادیو و تلویزیون فرانسه اعلام کرد که بازگشت پدر وی محصول تباہی بغداد و تهران است و شیخ علی تهرانی به اختیار خود به ایران باز نگشته است. فرزند تهرانی تاکید کرد که مواضع شیخ علی تهرانی نسبت به جمهوری اسلامی و شخص خامنه‌ای تغییری نگرفته است.

مسئولان جمهوری اسلامی و از جمله فلاحیان قبلاً اعلام کرده بودند که شیخ علی تهرانی به دلیل وضعیت روحی و جسمی محاکمه نخواهد شد. مسئول سرویس سیاسی کیهان هوایی هم نوشته بود که نه جای اعدام بایستی از شیخ علی تهرانی مانند سعیدی سیرجانی استفاده کرد. تصمیم رژیم به محاکمه شیخ علی تهرانی، این سوال را پیش آورده است که محامه وی هشدار به کدام دسته از مخالفان است. به آنان که حول "اسلام"، "عصرما" و کیهان جمع شده‌اند و یا گروهی وسیع‌تر.

جمهوری اسلامی از اخراج دیپلمات‌های آلمانی منصرف شد

سخنگوی وزارت امور خارجه خبر اخراج دیپلمات‌های آلمانی مقیم تهران را تکذیب کرد. در همان روز، در بین "مارتین اردمن" سخنگوی وزارت امور خارجه آلمان در مصاحبه مطبوعاتی تأیید کرد که دو دیپلمات ایرانی در خاتمه ماموریتشان کشور آلمان را ترک کرده‌اند. به این ترتیب آلمان با تکذیب خبر اخراج دیپلمات‌های جمهوری اسلامی را به انصراف از اخراج دیپلمات‌های آلمانی متقاعد کرد.

چنین به نظر می‌رسد آنچه آلمان را به عقب‌نشینی از موضع خود وادار ساخت، اصرار و علاقه این کشور به ادامه "ماموریت" دو دیپلماتی در تهران بوده است. ظاهراً دولت جمهوری اسلامی برای وادار ساختن دولت آلمان به عقب‌نشینی، بر مهره‌های حساسی انگشت گذاشته بود.

نوشته که از دوتین از اعضای کنسولگری سفارت آلمان در تهران به نام‌های "ماتیس گوتزای و گتورگ اشتولنبرگ" خواسته شد ایران را ترک کنند. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی دیپلمات‌های آلمان را "عناصر نامطلوب" توصیف کرد و به آنان دو هفته مهلت داد تا به کشور خود بازگردند.

پس از آن به قصد توافق برای جلوگیری از تشدید کدورت، گفتگو میان طرفین ادامه یافت و دولت کرد. روز سه‌شنبه ۷ شهریور سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد که هیچ یک از دیپلمات‌های ایرانی از آلمان اخراج نشده‌اند. وی افزود: اخیراً دو دیپلمات ایرانی در پایان دوره ماموریتشان و بر اساس روال معمول به کشور بازگشته‌اند.

جمهوری اسلامی و دولت آلمان فدرال بر سر مسئله اخراج دیپلمات‌های یکدیگر به توافق رسیدند و آنچه را که تاکنون در مورد اخراج آنها مطرح کرده بودند، پس گرفتند. هر دو دولت اعلام کردند که دیپلمات‌های جمهوری اسلامی به دلیل پایان ماموریتشان به تهران بازگشته‌اند.

خبر اخراج دیپلمات‌های جمهوری اسلامی به نام‌های علی اصولی و جلال عباسی به اتهام جاسوسی و زمینه چینی برای ترور مخالفان رژیم در آلمان، سوم شهریور در مطبوعات بازتاب یافت. یک روز بعد روزنامه کیهان تهران با چاپ خبر اخراج دیپلمات‌های جمهوری اسلامی از آلمان، اقدام دولت آلمان را توطئه اسرائیل توصیف کرد و خواستار اقدام متقابل شد. روز یکشنبه ۵ شهریور روزنامه جمهوری اسلامی

نامه‌ای برای من و تو

است + برادرم که ۱۴ ساله و کلاس اول نظری است، از روز یکشنبه ۷۴/۴/۱۱ در کنار خیابان در شرایط سختی زندگی می‌کنیم. هر وقت می‌خواهیم از دستشویی استفاده کنیم، گلویمان خشک می‌شود که این دفعه از کدام همسایه خواهش کنیم تا نیاز خود را رفع کنیم. افتاب تابستان همه ما را بیمار کرده است... محل فعلی زندگی ما در کنار خیابان سپهبد قمری، نرسیده به تقاطع آیت‌الله طالقانی است.

به نقل از "همشهری" چاپ تهران

آغاز سال تحصیلی است. نامه‌ای که در زیر می‌خوانید، توصیف مشکلات یک دانش‌آموز است. این دانش‌آموز در مشکلات بی‌شمار خود تنها نیست. اما اگر حتی تنها نیز بوده، چنین سرنوشتی، برای حکومتی که داعیه‌های بسیار دارد، ننگ نیست؟ دانش‌آموز کلاس پنجم دبستان هستم... به علت اجرای حکم بیرون، ما را از محل زندگی مان تخلیه کردند و خانواده ما که تشکیل شده از مادرم + پدرم که آموزگار است و مدت پانزده سال در منطقه ۱۶ جنوب تهران تدریس می‌کند + خواهرم که ۹ ساله و کلاس چهارم

اوباش در برابر روزنامه سلام تظاهرات کردند

که نهج البلاغه دستورات زیادی در زمینه مبارزه با فقر و فساد مالی و دزدی و فحشا دارد، پس چرا آن‌ها اجرا نمی‌شود؟ به نوشته این روزنامه "مبارزه" آیت الله جنتی قبل از این که علیه فرود جریان یا گروه خاصی باشد، علیه دولت است.

روزنامه سلام از وضعیت جاری ابراز نگرانی کرد و نوشت: ریش و قیچی در دست خود اقایان است و هر کار می‌خواهند می‌کنند. سلام پیش بینی کرده که این اقدامات زمینه ساز برخی تغییرات در دولت و آماده کردن فضا در آستانه انتخابات مجلس است. به نوشته این روزنامه، در چنین فضایی عده‌ای از ترس سکوت پیشه می‌کنند و عده‌ای فرصت طلبانه با جریان روز همراه می‌شوند.

بقیه از صفحه ۱

"ساعت خوش" نیز دست به تظاهرات خواهند زد. این سریال مورد اعتراض تند حزب‌الله قرار گرفته است. بر اثر این اعتراضها پخش سریال فوق متوقف گردید، اما از چندی پیش تلویزیون دوباره اقدام به پخش آن کرده است.

روزنامه سلام در روز سه شنبه ۱۴ شهریور، بار دیگر آتش زدن کتاب‌فروشی‌ها را محکوم کرد و از آیت‌الله جنتی به عنوان حامی این حملات انتقاد کرد. سلام با اشاره به سخنان جنتی در نماز جمعه، که وصیت نامه خمینی را بالاتر از قانون قرار داده بود، نوشت: اگر قرار است وصیت نامه خمینی اجرا شود، پس چرا نهج‌البلاغه و قرآن اجرا نشود و گروهی برای اجرای آنها بسیج نمی‌شوند؟ سلام نوشت

"کار" را به دست آشنایان خود برسانید!

خامنه‌ای: موسیقی با اسلام سازگار نیست

به چاپ رسانده است. خامنه‌ای در این فتوا اعلام کرده است: موسیقی با ایده‌آلهای عالی نظام اسلامی سازگاری ندارد و تدریس موسیقی موجب فساد نسل جوان می‌شود.

آیت الله خامنه‌ای در یک فتوای تازه، موسیقی را مخالف با آرمان‌های اسلامی خواند. روزنامه رسالت، در شماره روز ۱۳ شهریور ماه خود متن یک فتوا را به نام سید علی حسینی خامنه‌ای

آقای رئیس جمهور! از اعطای این جایزه پرهیزید!

تصمیم انجمن ناشران آلمان درباره اعطای جایزه صلح این انجمن به شرق‌شناس آلمانی خانم "آنه ماری شمیل" موجب اعتراض و بحث و جدل در میان محافل اجتماعی و ادبی آلمان برانگیخته است. شمیل که متخصص اسلام‌شناسی است با بنیادگرایی اسلامی و پایمال شدن حقوق بشر زیر لوای اسلام در کشورهای همچون کشور ما چندان مخالفت ندارد و نسبت به فتوای قتل‌رشدی نیز ابراز تفاهم کرده است. وی چه در رژیم دیکتاتوری ضیاءالحق و چه در حکومت جمهوری اسلامی صاحب قدر و منزلتی والا به شمار رفته و پیوسته میهمان برجسته این حکومت‌ها بوده است.

آخرین نمونه اعتراض به تصمیم ناشران آلمان، نامه ۷ تن از نویسندگان، هنرمندان و دانشمندان آلمانی به رئیس‌جمهور این کشور است. در این نامه با اشاره به اظهارات و نظرات خان شمیل که در راستای تأیید صریح یا ضمنی بنیادگرایی مذهبی و در دفاع از فتوای قتل‌رشدی ابراز شده، از رئیس‌جمهور خواسته شده که از شرکت در مراسم ناشران آلمان (۱۵ اکتبر) و اعطای جایزه به شمیل

جایزه یونیسف برای "دت یعنی دختر"

در جشنواره سینمایی ونیز، که شنبه گذشته در شهر ونیز ایتالیا به پایان رسید، فیلم "دت یعنی دختر" ساخته ابوالفضل جلیلی برنده جایزه یونیسف شد. عباس کیا رستمی، سینماگر برجسته ایرانی، عضو هیئت داوران این جشنواره

دو نویسنده، دو اثر

گراس را با دو دست از هم دریده است. آن نامه و بویژه این تصویر و اکش‌ها و اعتراض‌های بسیاری در محافل ادبی و سیاسی آلمان برانگیخته است. گراس خود از اسپیکل خواسته که مصاحبه‌اش با اسپن هفته‌نامه را درج نکند. روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های مختلف آلمان نیز اقدام اسپیکل را بازتابی از یس‌خورد سیاسی محافل راست آلمان با چپ این کشور ارزیابی کردند و تصویر روی جلد اسپیکل را یادآور برخورد با رشدی و دوران انگیزاسیون خواندند. به هر روی، صرف‌نظر از میزان ارزش ادبی "میدان گسترده"، جنبه‌های سیاسی این کتاب به مایه‌ای برای چالش و جدل چپ و راست آلمان بدل شده است.

کتاب جدید سلمان رشدی نیز توجه بسیاری از محافل ادبی و اجتماعی غرب را برانگیخته است. این کتاب که "آخرین ناله سیاه" (The Moors last sigh) نام دارد،

اعتراض گروهی از نویسندگان ایرانی به لغو تابعیت دو شاعر عراقی

سر‌می‌برند، هیچ‌گاه از مبارزه برای آزادی و دموکراسی در عراق دست نکشیده‌اند. ما نمی‌توانیم در برابر این نقض آشکار حقوق هم قلمان خود در عراق بی تفاوت باشیم، از این رو، این عمل دولت عراق را نکوهش می‌کنیم و از آن دولت می‌خواهیم سریعاً در این امر تجدید نظر کند.

امضاکنندگان این بیانیه عبارتند از: حسن اصغر، رصا براهنی

بر آن گرایش راست ناسیونالیستی که اراده گرایانه خواهان تسریع روند وحدت آلمان بود. درونمایه سیاسی رمان جدید گوتترگراس، بحث و جدلهای تندى را در آلمان برانگیخته است. هفته نامه معروف اسپیکل کانون جنجالی‌ترین نقدها و برخوردها در باره کتاب گراس شده است. در روند وحدت دو آلمان اسپیکل نیز خواهان تسریع بی‌محابای این روند بود و از همین رو سخت مورد انتقاد گوتترگراس قرار گرفت. انتشار "میدان گسترده" ظاهراً فرصتی برای اسپیکل فراهم آورد، تا با گراس به تسویه حساب بپردازد. اسپن هفته‌نامه در شماره آخر خویش، نامه انتقادی و نفی‌آمیز یک منتقد سرشناس آلمانی به گراس در باره "میدان گسترده" را درج کرده که در آن کتاب مزبور فاقد ارزش ادبی و آلوده به قضاوت‌های سیاسی ناموجه ارزیابی شده است. روی جلد اسپیکل نیز مونتاز از عکس نویسنده نامه دیده می‌شود که کتاب

تمامی کشورهای عرب‌زبان در عربستان سعودی برگزار می‌شود. جوهری و البیاتی از شاعران برجسته عراق و عربند. پس از لغو تابعیت این دو شاعر، آثار آنان نیز از کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌های عمومی جمع و ممنوع فروش شدند. در بخش‌هایی از این بیانیه آمده است: این دو شاعر گرچه سالهاست که اجباراً دور از وطن به

گوتترگراس، مطرح‌ترین و پرآوازه‌ترین چهره ادبیات معاصر آلمان، اخیراً رمانی منتشر کرده است به نام "میدان گسترده" که توجه بسیاری را به خود جلب کرده و در همان هفته اول انتشار ۱۰۰ هزار نسخه آن به فروش رفته است. گراس در این رمان تغییر و تحولات آلمان از انقلاب ۱۸۴۸ تا سقوط دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ را دستمایه خود ساخته و نگاهی نقدانه به وحدت دو بخش آلمان در ۵ سال پیش می‌اندازد. گفتنی است که گراس از ابتدا مخالف وحدت سریع و سنجیده دو آلمان و تسلط بی‌چون و چرای فرهنگ، اقتصاد و قوانین آلمان فدرال بر بخش شرقی این کشور بود. نظر گراس که قسماً در عمل تأیید شد بر این واقعیت متمرکز بود که فروپاشاندن سریع سیستم اقتصادی آلمان شرقی، خصوصی سازی شتابزده و حراج گونه صنایع و کشاورزی این کشور و بی‌اعتنایی کامل به هویت و فرهنگ شکل گرفته در آن دیار، ضرر و زیانهای سنگینی به بار خواهد آورد و وحدت واقعی دو بخش آلمان را با دشواری مواجه خواهد ساخت. "میدان گسترده" در واقع اشاره‌ای نمادین و داستانی به این واقعیت است و نقدی است

در پی لغو تابعیت محمد مهدی جوهری و عبدالوهاب البیاتی، دو شاعر عراقی گروهی از نویسندگان ایرانی با انتشار بیانیه‌ای خواستار تجدید نظر دولت عراق در این تصمیم خود شدند. ظاهراً علت لغو تابعیت این دو شاعر کهنسال عراقی، شرکت آنها در جشنواره هنری - ادبی "جنادره" که هر سال با شرکت هنرمندان و نویسندگان عرب از

"نور حیات" را اولین بار روزی دیدم که اتوبوسی او را همراه یک خانواده کرد دیگر به هایم ما آورد. خستگی و اضطراب از چهره همگی اشان پیدا بود. آنها را پلیس در حالی از داخل یک کامیون بیرون کشیده بود که بعد از چهار شبانه روز طی طریق از استانبول تا غرب آلمان به قصد پناهندگی در پارکینگی متوقف شده بودند و رمقی برایشان باقی نمانده بود. طول سفر، درون کامیون، جلوی دیدگان هم در لگن و بطری قضای حاجت کرده بودند، خوراکی‌های خود را با هم قسمت کرده و از ترس کنترل پلیس‌های مرزی کشورهای بین راه بر خود لرزیده بودند.

نور حیات تنها روی نیمکتی در حیاط هایم می‌نشست و با چشمان درشت سیاه و غمگینش مضطربانه به درب ورودی هایم خیره می‌شد. روی گسونه‌های سپیدش خط‌های ناشی از بهبود زخم‌هایی، انگار خراشیده با ناخن، هویدا بود. حس می‌کردم که دیگر هم‌وطنانش او را عمداً تنها می‌گذارند. مثل این که نمی‌خواستند مزاحمتش شوند، حتی به کودکش سفارش می‌کردند که آرامش "نور حیات" را به هم نزنند، ولی همه مواظبش بودند و هر وقت حرفی از او می‌شد، اهی می‌کشیدند و سری تکان می‌دادند. یکی از همین روزها که "نور حیات" روی نیمکت نشسته بود و من حوصله کار کردن نداشتم، به سوبش رفتم و اجازه خواستم کنارش بنشینم. در رابطه با کمک‌هایی که در امر ترجمه و ردیف شدن کارهای پناهندگی‌اش به آن‌ها کرده بودم، مرا می‌شناخت. با لبخندی اجازه داد و کنارش نشستیم. فرهنگ لغات کردی - آلمانی را که برایش تهیه کرده

"پناهنده"

خسرو باقر پور

از جا پراندمان. سرمایه به جاده منتهی به روستا چشم دوختیم. تعدادی کامیون ارتشی و جیبی، با برجا گذاردن ابری از غبار در پی خویش، به سوی ده شتابان روان بودند. رسیدند. با فریاد بلند گروهیانی که چشمانی نفرت‌انگیز داشت. سربازان پایین پریدند. همو با غضبی که چشمانش را درانده بود، از اهالی خواست در میدان‌گاه روستا گرد آیند. مردم اندک اندک و با دل‌پره بسیار، در میدان‌گاه اجتماع کردند. شماری خردسال و زن و تعدادی مردان میان سال و پیر. سیگاری به او تعارف کردم، گفت که نمی‌کشد. برای خودم آتش زدم، گفتم که و بیش این‌ها را می‌دانم، هر چند خود چون شما درگیر آن نبوده‌ام؛ مایله بیشتر دلیل هجرت تو را بدانم. لبخندی سرد زد و گفت: صبح یکی از روزهای گرم اوایل تابستان امسال بود. من و مادرم مشغول کارهای روزانه خویش بودیم. مادرم شعله‌ی دل سوخته‌اش را با ترنمی غمین به یاد پسر بزرگش، که در محس زجرکش و پسر کوچکش که در پیکار بر خاک فرو غلطیده بود، فرو می‌نشاند. من هم چون همیشه گلوبه را بغض ترنم‌های مادرم در هم می‌فشارم. غرق در کار و ماته روزانه، صدای غرش موتور کامیون‌هایی،

نام دارد بار دیگر موبد این واقعیت است که شهرت رشدی صرفاً به خاطر فتوای خمینی نیست و خلافت ادبی او که در زمانهایش بازتاب یافته نیز، خود به تنهایی مایه اعتبار و ارزش نویسنده‌اند. رشدی در این رمان جدید نیز بیان سه رمان دیگر خود (بچه‌های نیمه‌شب، شرم و شرف، غرب) به هنر و مناسبات اجتماعی و فرهنگی آن می‌پردازد و نگاهی ژرف به مسائل جامعه چند فرهنگی و نوع برخورد هندیان با انگلیسی‌ها در دوران استعمار هند و تجزیه جغرافیایی شبه جزیره هند می‌افکند. شخصیت اصلی رمان "آخرین ناله سیاه" سرکی است که از یک مادر مسیحی هندی و یک پدر یهودی اسپانیایی - عربی - هندی‌زاده شده که این خود از تجربه رشدی به اهمیت وجود فرهنگهای مختلف در یک جامعه و انعطاف و رواداری آنها در خیال یکدیگر حکایت دارد. به گفته رشدی این آخرین رمانی است که او در باره مسائل شبه جزیره هند و استعمار می‌نویسد و از این پس مسائل دیگری را دستمایه خلافت‌های ادبی اش خواهد ساخت.

مهدی بهشتی‌پور، موسی بدیع، بزرگ پور جعفر، احمد تدین، علیرضا جباری، محمد جواهرکلام، محمد حسین روحانی، محمدعلی سپانلو، فرج سرکوهی، محمد شمس، یوسف عزیزی بنی‌طرف، مشیت علائی، محمد قاسم‌زاده، منصور کوشان، محمد محمدعلی، شهاب مقربین، علینقی منزوی، غلامعباس نوروزی بختیاری، ابراهیم یونسی.

و بی‌تابی می‌کردند. دل در سینه‌ام می‌تپید، سرشار از نفرت بودم. کنترل نتوانستم، رو سوی گروهیانی که چشمانی نفرت‌انگیز داشت. فریاد زدم: کودکان تشنه‌اند، پس کنید این دنسنت را! مادرم گونه‌هایش را خراشید. گروهیان مرا نگرست، با لبخندی پلید گفت: ما هم تشنه‌ایم! به سربازانی که نزدیکش بودند چیزی گفت. سربازان به سوی من آمدند. فغان جمعیت به آسمان رفت. سربازان مردم را کوفتند. جسم مادرم را در غباری از خاک گم کردم، گیسوانه را کشیدند و کشان کشان به داخل خانه‌امان بردند.

من بودم و اتاقمان و گروهیانی که چشمانی نفرت‌انگیز داشت.

مادرم بود و نمی‌گریست، گونه‌هایش خونین بود، سرتاپا گردلود بود. دستم را می‌کشید و همراهش می‌بود، عده‌ای دیگر هم بودند، اهالی روستایمان. به عقب نگرستم، روستایمان دود می‌کرد. سوخته بود، خرمن‌ها نیز، همه چیز، زمین سوخته.

مادرم دسته را می‌کشید و همراهش می‌بود. افق مغرب خونین بود. پاهایم خونین بود. گونه‌های مادرم خونین بود، دلمه نیز.

مرخصی‌ام که تمام شد و سر کار برگشتم. "نور حیات" نبود. از همکارانه پرسیدم، گفتند: منتقل شده است به جایی دیگر. لیست تقسیمه شدگان را که روی صفحه مونتور کامپیوتر می‌دیدم، نامش را یافته. مقابلش نوشته شده بود: درخواست پناهندگی‌ش رد شده است.

مونتور - شهریور ۷۴

"مردم به شهری است بررگ در کردستان زبکه

دروازه‌های کهن فرو می‌ریزند

پیام امروز - شماره ۵

خبرهای علمی

ویندوز ۹۵ به بازار آمد

سرانجام برنامه‌ی ویندوز ۹۵، نرم‌افزار جدید شرکت معروف مایکروسافت بعد از تبلیغ‌های فراوان چند سال اخیر با تاخیر چند ماهه به عنوان نرم‌افزاری که دنیای کامپیوتر را تغییر خواهد داد، به بازار آمد. با وجود این بنظر می‌رسد که تنها مزیت اساسی این نرم‌افزار امکان اجرای همزمان چندین برنامه (Multitasking) باشد. هنگام اجرای چند برنامه بطور همزمان، ریزپردازنده (Microprocessor) زمان خود را بین این برنامه‌ها تقسیم می‌کند که البته باعث کند شدن محاسبات مربوط به تک تک برنامه‌ها می‌شود.

ویندوز ۹۵ برخلاف پیشینیان خود احتیاجی به سیستم عامل علی‌حده ندارد و خود مانند یک سیستم عامل کامل عمل می‌کند. در مقایسه با سیستم عامل DOS که در اوایل دهه ۸۰ برای کامپیوترهای شخصی با ۶۴۰ کیلوبایت RAM طراحی شده بود، ویندوز ۹۵ سرعت به مراتب بالاتری برخوردار است و به منظور استفاده‌ی کامل از امکانات سیستم‌های کامپیوتری جدید به صورت کند ۳۲ بیتی طراحی شده است.

برای مثال دسترسی به CD-ROM توسط این نرم‌افزار بسیار سریعتر از DOS می‌باشد و همچنین بعلاوه امکان استفاده‌ی کامل از ظرفیت بالای کارت‌های گرافیکی، انواع بازی‌های طراحی شده‌ی مختلف، با استفاده از ویندوز جدید، از کیفیت بالاتری برخوردار می‌باشند. ویندوز ۹۵ شامل سیستم پست الکترونیکی E-Mail و فاکس می‌باشد و می‌توان از آن به راحتی به عنوان یک سیستم چند رسانه‌ی (Multimedia) استفاده کرد.

از جمله مزیت‌های دیگر این برنامه اینست که ادیتورهای سوار شده بر این نرم‌افزار بطور خودکار سیستم غلط‌گیری تایی دارند و خط قرمز زیر کلمه‌ها اشتباه می‌کنند. همچنین در صورتی که یکی از چند برنامه‌ی در حال اجرا دچار اشکال شده و روی مونیور پیغام قفل شدن سیستم بیاید، با وجود اینکه اجرای برنامه‌های دیگر روی مونیور دیده نمی‌شوند ولی این برنامه‌ها همچنان در زمینه‌ی پست (Background) محاسبه خواهند شد و با بستن برنامه‌ی قفل شده می‌توان بقیه‌ی برنامه‌ها را نجات داد در صورتی که در نرم‌افزارهای سابق در صورت روی دادن چنین اتفاقی می‌بایست سیستم از نوروشن (reset) می‌شد.

از جمله اشکالاتی که در حین کار با این نرم‌افزار می‌تواند رخ دهد کار نکردن مودم‌هایی است که با برنامه‌های دیگر بخوبی کار می‌کنند و برای رفع این اشکال می‌بایست تراشه‌ی Chip مخصوصی روی مودم کار گذاشت.

برای آنکه از امکانات ویندوز ۹۵ در حد متعارف بتوان استفاده کرد باید انرژی کامپیوترها بی‌حد اقل پر سوسور ۴۸۶ و ۸ مگابایت حافظه سوار کرد.

شرکت مایکروسافت، تهیه‌کننده‌ی برنامه‌ی ویندوز ۹۵ میداد و اراست که دارندگان ۳۰ میلیون کامپیوتر شخصی همچون کامپیوترهای IBM خریداران این برنامه که به مبلغی حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ دلار در سراسر جهان به فروش می‌رسند باشند، اما از هم‌اکنون کپی‌های تهیه شده از این برنامه به رقمی معادل نصف تا یک سوم مبلغ فروش شرکت مایکروسافت به فروش می‌رسد.

نسل جدید کامپیوترهای نیازی به "مودم" ندارد

شرکت اینتل بزرگترین سازنده ریزپردازنده برای کامپیوترهای شخصی در تلاش است تا ترکیب تازه‌ای از ریزپردازنده و نرم‌افزار ارائه دهد که بدون نیاز به مودم بتوان کامپیوترها به خط تلفن وصل کرد. به نوشته روزنامه ایندپندنت ترکیب تازه قادر خواهد بود اطلاعات را با دوسرعت مختلف یعنی ۱۴۴۰۰ بابت در ثانیه و ۲۸۸۰۰ بابت در ثانیه از طریق خطوط تلفن عادی مخابره کند.

اینتل در نظر دارد در نمايشگاه کامپیوتری بررگی که لاس‌وگاس برگزار می‌گردد مودم تازه‌ای عرضه کند که به خریداران امکان می‌دهد علاوه بر انتقال اطلاعات مکتوب، با مخاطبان خود به طور همزمان به مکالمه بپردازند.

خستگی و کاهش فشارخون

عامل اصلی خستگی مزمن هنوز به طور کامل روشن نشده است اما تا کنون مشکلات روانی نظیر افسردگی یا بیماری‌های ویروسی در این باره مورد سوءظن پزشکان بوده‌اند. اخیراً پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که فشارخون پایین در این بیماران بیش از هر عامل دیگری موجب خستگی مزمن بوده است. در موارد زیادی با افزایش فشارخون در حد طبیعی، علائم خستگی نیز برطرف شده است.

مقاومت یک نوع باکتری در مقابل آنتی‌بیوتیک‌ها

یکی از انواع باکتری‌های بیماری‌زای نام‌آسترپتوکوکوس نومونیا در مقابل انواع آنتی‌بیوتیک‌ها مقاومت است. این گونه باکتری باعث مرگ نمی‌شود ولی ابتلا به آن باعث بی‌آمدن جانسی از جمله پیچیده‌تر شدن درمان‌ها می‌شود. نتایج تحقیقات مرکز ملی مهارت‌گیری بیماری‌ها و محققان دانشگاهی در آتلانتای جورجیا در آمریکا نشان داده که ۴۱ درصد از بیماران مبتلا به این باکتری هیچ عکس‌العملی بعد از مصرف انواع آنتی‌بیوتیک‌های متعارف نشان نداده‌اند و ۲۵ درصد نیز با مصرف آنتی‌بیوتیک‌های ترکیبی ولی در مدت‌یه‌ی مراتب طولانی‌تر از معمول معالجه شده‌اند. محققان و کارشناسان اعلام کرده‌اند که تا ده سال پیش تنها دو صدم درصد از باکتری‌های پنوموکوسیا در مقابل آنتی‌بیوتیک‌ها مقاومت نشان می‌دادند ولی این درصد شدت در حال افزایش است و دلیل آن نیز مصرف بی‌رویه‌ی آنتی‌بیوتیک‌ها اعلام شده است.

فاره‌ها، مرزها و فرهنگهای مختلف عبور کنند و با یکدیگر هزارویک شبکه کامپیوتری و کتابخانه‌ی بانک اطلاعاتی و با انواع و اقسام نگاههای سخن‌پراکنی و تصویر پراکنی و تفریح پراکنی و... متصل شوند. حجم وسایلی که با بدمنوع می‌گردند اوراست. در میان همه وسایلی ارتباط جمعی، شبکه اینترنت سریعترین رشد را دارد. ارتباط گرفتن با دیگران از طریق اینترنت، مثل آب خوردن است. هر کجای دنیا که باشید کافی است یک کامپیوتر معمولی، یک خط تلفن و یک دستگاه مودم (وسایلی که زبان الکترونیکی کامپیوترها برای سیمهای تلفن و زبان آنها را برای کامپیوترها ترجمه می‌کند.) در اختیار داشته باشید تا به طریق مختلف بتوانید وارد شبکه اینترنت شوید. اکنون بیش از سی میلیون نفر از مردم سراسر جهان، عضو این شبکه عظیم‌اند. فعالیتهایی که روی این شبکه صورت می‌گیرد مبهوت‌کننده است. در هر کاری که تصور کنید می‌توان اینترنت را به خدمت گرفت: از تجارت تبلیغات و فیلم ویدئو گرفته تا تحصیل و درمان و تحقیق، از روزنامه‌نگاری و سیاست گرفته تا حتی جنگهای چریکی.

هفتمین سه چهار هفته پس وقتی گروهی از چریکهای زاپاتیست مکزیک در گوشه‌ای از جنگلهای این کشور در دام نیروهای ارتشی افتادند و خبری در آنجا شنیده شد که با آتش سلاح و جنگ و گریز می‌توانند، همیلهک حان سالم به دربرند. به همین خاطر در فرصتی که باقی مانده بود، کامپیوترهای کیفی و دستگاه‌های فکس خود را به کارانداختند و در پیامی که برای تمام خبرنگارهای دنیا مخابره کردند از بسیاری روستاها و قتل عام زنان و کودکان به دست نیروهای ارتشی سخن گفتند.

خبریه سرعت برق و باد در سراسر جهان پیچید. دولت مکزیک به دست و پا افتاد، عملیات نظامی را در آن منطقه قطع کرد و خبرنگاران داخلی و خارجی را فراخواند تا از منطقه بازدید کنند. گرچه خبرنگاران اثری موبد ادعای چریکها نیافتند. اما چریکها نوانسند از فرصت استفاده کردند و از دام بگریزند. به قول سخنگوی زاپاتیستها، فرمانده مارکوس، کسب قدرت سیاسی دیگر با آتش سلاح به دست نمی‌آید. دولتها دیگر از چریک نمی‌ترسند آنها از متخصصین ارتباطات وحشت دارند.

ارسال نامه و ارسال پرونده یکی از ساده‌ترین کارهایی که در شبکه اینترنت می‌توان انجام داد نامه‌نگاری الکترونیکی E-Mail است. هر کدام از اعضای اینترنت یک شماره پستی دارند که از آن طریق می‌توان در عرض چند ثانیه با آنها تماس گرفت. مثلاً اگر شما هم فردا پس فردا، مشترک اینترنت شدید و خواستید با این جناب فرمانده مارکوس و زاپاتیستها، که معلوم نیست کجای جنگلهای مکزیک بپنهند، تماس بگیرید، کافی است کامپیوتر خود را روشن کنید، وارد شبکه شوید و با فشردن چند کلید، آدرس الکترونیکی آنها را تایپ کنید. این شما و این هم زاپاتیستها.

نامه‌نگاری الکترونیکی از طریق اینترنت، به این می‌ماند که همه ما یک صندوق پستی داشته باشیم و هر کسی بخواهد برای ما نامه مفرستد

تأمین آنها تولید اطلاعات و حفظ و نگهداری آن به یک حوزه تعلی داشت و اتساع اطلاعات به حوزه‌های دیگر، به همین خاطر نگاهبانان نظم موجود فقط نگران حوزه دوم بودند و خود از مزایای حوزه اول بهره می‌بردند و آن را تقویت می‌کردند. حوزه اول قلمرو حکمرانی کامپیوترها و بانکهای اطلاعاتی بود و حوزه دوم قلمرو وسایلی ارتباط جمعی، بنا بر این اگر قرار بود تکراری در کار باشد به این حوزه دوم مربوط بود. با پیشرفت کامپیوترها و کانالهای ارتباطی (سیمهای تلفن، فیبرهای نوری، امواج ماهواره‌ای و تلفنهای بی‌سیم و کابلهای تلویزیونی و...) کم کم اوضاع تغییر کرد. دیگر نمی‌شد مرزی قطعی میان این دو حوزه کشید. در واقع اکنون مردم بیشتر از آن که به کامپیوترهای خود به عنوان وسیله‌ای برای حفظ و پردازش داده‌ها بنگرند، آن را یک وسیله ارتباطی می‌دانند.

طنز روزگار این که بانی این تحول نه مخالفان نظم موجود بلکه نگاهبانان آن بودند.

در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی سازمان پنتاگون آمریکا، از ترس اینکه مبادا با شروع یک جنگ اتمی، تمام سیستمهای اطلاعاتی خود را از دست بدهد، به فکر چاره افتاد. چهار مرکز تحقیقاتی بزرگ موظف شدند تا راه حل مبروری بیابند. راه حل این بود: باید شبکه‌ای از کامپیوترها فراهم آورد که اطلاعات را میان خود به اشتراک بگذارند. بی‌آنکه در این میان هیچ کدام از کامپیوترها نقش محوری داشته باشند؛ یک سیستم کاملاً باز و غیر متمرکز. مجموعه قواعدی برای چگونگی ارتباطات این شبکه‌های کامپیوتری تهیه شد که به پروتکل اینترنت موسوم است. چندی نگذشت که انواع و اقسام شبکه‌های محلی از شبکه‌های دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی گرفته تا نهادهای دولتی و کتابخانه‌ها به یکدیگر متصل شدند. همه اینها طبق پروتکل اینترنت با یکدیگر تماس می‌گرفتند و به تبادل اطلاعات می‌پرداختند. نتیجه آن که، امروز ما شبکه‌ای متشکل از سی میلیون کامپیوتر در سراسر جهان مواجهیم که نام خود را از آن پروتکل وام گرفته است شبکه اینترنت.

به این ترتیب مرز میان حوزه تولید و نگهداری اطلاعات و حوزه ارتباطات شکسته شد. حالا دیگر هیچکس نمی‌تواند بدون ارتباط با شبکه‌های کامپیوتری، اطلاعات با ارزشی را تولید یا از اطلاعات با ارزشی استفاده کند. شاید بتوان گفت که بدون ارتباطات اصلاً چیزی به نام اطلاعات وجود ندارد و وقتی ارتباط برقرار شد دیگر هیچ اطلاعاتی نیست که نتوان به آن دست یافت. (دست کم تا به امروز چنین بوده است.)

در حال حاضر میلیونها نفر از مردم دنیا هر یک به نوعی توانسته‌اند از طریق دستگاههای الکترونیکی خود (تلویزیونهای معمولی، تلویزیونهای کابلی، گیرنده‌های ماهواره‌ای، تلفنهای سیار، فکس، ویدئوتکس، ویدئوفون، دستگاههای کنفرانس از راه دور، انواع کامپیوترهای شخصی، شبکه‌های کامپیوتری محلی و گسترده و...) و از دور کانالهای ارتباطی موجود (خطوط تلفن، کابلهای تلویزیونی یا کابلیان، امواج رادیویی، ماهواره‌ها، فیبرهای نوری و...) از فرای

اگر دو سال پیش می‌خواستیم راجع به انقلاب اطلاعاتی و تکنولوژی ارتباطات سخنی بگوییم شاید با این خبر شروع می‌کردیم که امسال درآمد کتابخانه ملی انگلستان از بابت فروش اطلاعات معادل درآمد فروش یک سال نفت ایران بود. و لا بدراجح به تکنولوژی ارتباطات هم باید می‌گفتیم: ماهواره‌ها می‌آیند. اما اینها همه به گذشته‌ای بسیار دور مربوط است. از درآمد امسال کتابخانه ملی انگلستان نه خبری داریم و نه دیگر موضوع چندان مهمی است. در مورد ماهواره‌ها هم که به فول روزنامه‌ها پرونده‌شان تکمیل شد.

امروزه بگویی که انقلاب اطلاعاتی چه موقعی به وقوع خواهد پیوست و یا با تکنولوژی ارتباطات چه برخوردی باید داشت. هر دو آنها از کنترل همه خارج شده است. و این تازه آغاز یک عصر است. طولی نخواهد کشید که تمام سامانه‌ها و شیوه‌های حیات اجتماعی و فکری بشر دگرگون خواهد شد. این که چه سامانه‌های جدیدی پدید خواهد آمد کاملاً غیر قابل تصور است. قدر مسلم آن که این توفان تاریخی، طوفان نظم و نسبی را که به آن خو کرده بودیم درهم خواهد پیچید. گرچه هر کس به فراخور این که در نظم و مناسبات سابق چه جایگاهی و چه کارکردی داشته می‌تواند است از این توفان شادمان یا نگران شود، اما باید دانست که هیچ سامانه حاضر و آماده‌ای وجود ندارد که جای نظم قدیم بنشیند. تا آن زمان که تمدن جدید راه و رسم خود را برقرار کند، ما نیز به دنیایی که روز به روز دروازه‌های کهن آن فرو می‌ریزد.

بنچاه صنعت سال پیش که تازه سرو کله کامپیوترهای بزرگ پیدا شده بود، همه فکر می‌کردند کامپیوتر ابزاری است در خدمت نظامهای متمرکز. تصور رایج این بود که صاحبان قدرت، آنها بی‌کی بود که هر م سازمانهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی قرار دارند، می‌توانند با دسترسی به اطلاعات دست اول و تازه، همه افراد زیر دست خود را به طور مداوم زیر نظر و تحت سلطه داشته باشند. با پیدایش کامپیوترهای شخصی و شبکه‌های کامپیوتری، یکباره ورق برگشت. از آن پس کامپیوتر نه تنها ابزاری در خدمت تمرکز و کنترل به حساب نیامد بلکه برعکس، وسیله‌ای شد برای به مسخره گرفتن سیستمهای متمرکز و شدیدا کنترل شده. دستبردهای اطلاعاتی جوانهای هفده هجده ساله‌ای که به تنهایی و از گوشه اتاقشان با یک کامپیوتر فکسی به درون سیستمهای پیچیده سازمانهای مهم رخنه می‌کنند، مصداق بارز همین خصوصیت ضد تمرکز کامپیوتر است. حالا دیگر هر کارمند اداری ساده‌ای می‌تواند به کوهی از داده‌ها و اطلاعات سازمان خود دست یابد و تصویری جامع از فعالیتهای سطوح بالای آن به دست آورد، تصویری که هر وقت دوست داشته باشد می‌تواند آن را بر ملا کند.

در جنگ میان آنها بی‌کی که کامپیوتر را برای کنترل می‌خواهند با آنها بی‌کی که آن را وسیله‌ای رهایی‌بخش و ضد تمرکز به حساب می‌آورند، فشار واقعی روی صاحبان قدرت است. آنها از یک طرف می‌دانند که بدون این دستگاه دیگر تقریباً نمی‌توان زندگی کرد و از طرف دیگر می‌بینند که همین وسیله، موقعیت آنها را به مخاطره می‌اندازد.

تقریباً ۱۵ سال از وقوع انقلاب بهمن می‌گذرد، انقلابی که آخوندها با دزدیدن آن، آنرا از امام اصلی حکومت دور ساخته و به ضد خود تبدیل نمودند. حکومت نج. اطی این مدت جنایت‌هایی را در حق مردم و میهن ما مرتکب شده که می‌توان فقط با جنایت‌های اعراب و مغول‌ها به هنگام یورش به ایران مقایسه‌اش کرد!

طی این مدت استبداد فقهی توأم با فساد مالی دست اندر کاران رژیم، کشور ما را به نیاهمی میهن ما را به روز سیاه نشانده است. و این در حالی است که حکومتگران صرف نظر از شعارهای تو خالی شان فاقد هر گونه برنامه‌ای برای بهبود اوضاع هستند. و به همین دلیل بیش از پیش به تنها وسیله اعمال قدرت خود، یعنی سرکوب و وحشیانه هرگونه حرکت اعتراضی روی آورده‌اند.

البته علاوه بر سرکوب حکومت جمهوری اسلامی را عامل مهم‌تر دیگری نیز در پیشبرد سیاست‌های حنا بنکارانه‌اش باری می‌دهد و آن وضعیت ناروشن و بحرانی اوبوزیسین است. هر چند که در حال حاضر تلاش‌های مثبت برای برون رفت اوبوزیسین از پراکندگی و بحران مشاهده می‌شود. ولی متأسفانه باید گفت که نسبت به اوضاع بحرانی کشور، این تلاش‌ها از شتاب لازم برخوردار نیستند.

در حال حاضر گرچه تقریباً تمامی اوبوزیسین بقای هر چه بیشتر رژیم را، باعث غرق شدن بیش از پیش میهن ما، در باتلاق نیستی می‌دانند و لزوم مبارزه با آن را یادآور می‌شوند، و در همین رابطه لزوم اتحاد و همیاری تمامی نیروهای ملی دموکراتیک را یادآور می‌شوند، اما متأسفانه باید گفت که در عمل همچنان جنبش‌های ففدان اتحاد عمل بر اساس حداقل‌های ممکن و مشخص رنج می‌پردازد و برآکنده گلی به سر می‌برد!

جنبش دموکراسی و ملی‌ت‌کنون وقت‌های گرانبهرانی را تلف کرده است، دیگر شایسته نیست که بیش از این وقت تلف گردد. در همین رابطه باید تلاش همه جانبه‌ای صورت پذیرد تا میهن کهنسال ما به خود آید، قد علم کند، و از جرگه عقب مانده ترین ممالک بیرون آید. در همین راستا است که پاسخ درست به سؤال چه باید کرد اهمیت حیاتی دارد! دست و پر خاست جریانات مختلف با یکدیگر، کنفرانس‌ها و ۱۰۰۰ از جمله روند‌های مثبتی هستند که در راستای همگرایی ملی تأثیر ویژه‌ای دارند. تلاش نشریه کاروسا بر نشریه‌ها در همین رابطه قابل ارزش و ستایش است.

در رابطه با برخی از مسایل بزم کشور ما، نشریه کار در شماره ۱۱۱ خود مصاحبه‌ای با آقای نگهدار داشته است که توجه به برخی از جنبه‌های این مصاحبه خالی از فایده نیست! زیرا طبق معمول آقای نگهدار در این مصاحبه سعی نموده است "دلبر همه باشد، از طرفداران مثنی سرنگونی رژیم گرفته تا استحاله پرستان رژیم!

آلترناتیو فکری، یا آشفنگی فکری؟

آقای نگهدار علت مخالفت خویش با خط مثنی کنونی سازمان را چنین بیان می‌دارد: "به نظر من باید رهبری سیاسی نیروهای ملی و دموکراتیک از طریق فعالیت فکری و سیاسی، از طریق فعالیت معنوی پی گرفته شود و نه ساختن از بالا و به شیوه بوروکراتیک. مذاکره رهبران با یکدیگر و توافق آنها البته ضروری است، اما کافی نیست. ۱۰۰۰ باید کار در پائین صورت پذیرد."

اولا باید گفت روشنگری در بین مردم که یکی از وظایف جدی و اساسی یک حزب سیاسی است، تنها به حزب محدود نمی‌شود، این کار توسط وسایل ارتباطی

"ملا" همچنان ماست می‌زند!

م. سلیمی

جمعی، شاعران، نویسنده‌ها و ۱۰۰۰ نیز صورت می‌گیرد. بنابراین اگر منظور از فعالیت معنوی، روشنگری مردم است، جدا از بالا ضروری باشد یا نباشد، کار و وظیفه روزمره یک حزب سیاسی و یا یک نویسنده و شاعر ۱۰۰۰ متعهد و مسئول است. اما اگر منظور از آلترناتیو فکری نشانه نوع نظام حکومتی باشد، باید گفت که این ترحز اشاعه نوعی آشفنگی فکری در جنبش و بی‌هدفی هیچ نتیجه دیگری ندارد، در این معنا آلترناتیو سازی فکری از یکسو عدم اعتقاد به تشکیل و تبدیل نقش حزب به نقش یک رمان نویس مصلح اجتماعی است و بازداشتن حزب از مبارزه برای کسب قدرت سیاسی که همانا هدف اصلی هر حزب از تشکیل آن است، از طرف دیگر است.

تا نای آقای نگهدار مدعی است، اتحاد از بالا، اتحادی بوروکراتیک است و باید کار در پائین صورت گیرد. حداقل باید شکل ساختاری این کار را نیز روشن می‌کرد. باید به این سؤال مشخص نیز جواب می‌داد که این فعالیت معنوی یا بالا چگونه و توسط چه کسی باید صورت گیرد؟ مگر غیر از این است که همین کار نیز توسط بالا صورت خواهد گرفت؟ مثلاً بالا تصمیم خواهد گرفت که اتحاد در بالا بوروکراتیک است و باید در پائین صورت گیرد.

باید کار در پائین صورت گیرد منظور از پائین چیست؟ ضمن اینکه یک حود بزرگ بینی در این جمله نهفته است در عین حال فاقد هر گونه رهنمود عملی است. بر اساس کدام مشخصه‌ها طرفداران فدائی و سلطنت و جمهوری اسلامی و مجاهد و ۱۰۰۰ باید قانع شوند که با همدیگر گل بگویند و گل بشوند؟

مفوله اتحاد و یا اختلاف معنوی. بلکه نشکلیانی و سیاسی است. نه عرفانی. بلکه زمین است. اختلاف و اتحاد، مفهوم بده بستان دارد، امتیازی را می‌دهی تا امتیازی بگیری. بنابراین حداقل باید "پائینی" هاباندند و یا بفهمند که حول کدام مسایل مشترک با هم متحد شوند و یا نشوند، مثلاً باید بدانند که با تشکیل استیصال جمهوری اسلامی. یا حول برکناری آن، یا حول شعار جمهوری ملی و یا سلطنت و یا انتخابات آزاد، متحد شوند.

باید کار در پائین صورت گیرد زیرا "اگر بخواهیم که فکر رفرمیستی، اصلاح طلب و مسالمت آمیز پیش بیرون یاد یا به آن در داخل کشور باشد. تا مین رهبری سیاسی در خارج کشور و نیروهای داخلی را از خارج رهبری کردن. قطعاً با خط مثنی رفرمیستی فاصله خواهد داشت و خط سرنگونی از طریق اعمال زور را جایگزین خواهد کرد". بنابراین تکیه او بر "کار در پائین" و "رهبری داخل" نه برقراری پیوند بیشتر با جنبش مردم، بلکه فاصله گرفتن از خط مثنی برکناری است. زیرا او می‌پندارد که جنبش داخل طرفدار فکر رفرمیستی و اصلاح طلب است و جنبش خارج طرفدار سرنگونی. باید به این پندار، از همان ابتدا چنان سست است که زحمت زیادی برای اثبات واهی بودن آن لازم نیست!

بر اساس کدام دلایل و شواهد می‌توان مدعی شد که نیروهای داخل طرفدار خط مثنی رفرمیستی هستند و نیروهای خارج طرفدار سرنگونی؟ مگر غیر از این است که همین صف بندی در خارج کشور، در داخل کشور نیز

حال، سندی است

مثنی مسالمت آمیز، استرژمی یا تاکتیک!

اشکال متدیک دیگر آقای نگهدار، در درک او از مثنی مسالمت آمیز است. او تا زمانی طرفدار مثنی مسالمت آمیز است که حکومت توانا است و می‌تواند با قدرت تمام سرکوب کند، اما وقتی که همین حکومت ضعیف شد، شکاف در درونش ایجاد شد، طرفدار دو آتشه سرنگونی است. به جملات زیر دقت کنید:

"این رهبری سیاسی فقط زمانی می‌تواند مدعی تغییر در مجموعه نظام سیاسی حاکم بر کشور و گذار از وضع موجود به نظامی دیگر بشود که شکاف در نظام حاکم پدید آمده و شرایط اجتماعی مساعد ۱۰۰۰ شده باشد". بنابراین مثنی مسالمت آمیز وی یک مثنی تاکتیکی است. نه یک استرژمی. زاویه حرکت او در رابطه با تحول تدریجی و مسالمت آمیز، نه ماهیت حکومت، بلکه قدرت و توانایی و یا عدم قدرت و توانایی حکومت است. در واقع او به حکومت می‌گوید چون نتوانا هستی من با تو از در مسالمت درمی‌آیم اما وقتی که نتوانا شدی و شکاف در درونت افتاد تغییرت خواهم داد. آیا جمهوری اسلامی با مشاهده این شرط و شروط حاضر به قبول پیشنهادهای آقای نگهدار خواهد شد؟ به عبارت دیگر آگاهانه با تغییر دهنده فردای خود، دست دوستی و مودت خواهد داد؟ یا بر عکس تدریجی خواهد اندیشید که دشمن دوست نمای خود را نابود کند؟

مثنی مسالمت آمیز یک مثنی استرژمیک است. صرف نظر از اینکه حکومت قوی است و یا نتوانا است، باید پیگیرانه دنبال شود. و به نظر من هیچ مغایرتی هم با مثنی پائین کشیدن کل حکومت از قدرت ندارد. البته مطابق روانشناسی جنبش ما وقتی صحبت از براندازی و یا برکناری می‌شود فوراً شکل مسلحانه آن در ذهن تداعی می‌شود، در صورتی که می‌توان مثلاً با انتخابات آزاد نیز کل یک سیستم را تغییر داد.

اگر همین فردا جمهوری اسلامی اراده همگانی را پذیرفته و به انتخابات آزاد تن بدهد، مطمئن باشید که کل نظام تغییر خواهد کرد، مثنی طرفداران این شکل از تغییر هستند و در عین حال اگر جمهوری اسلامی همچنان سماجت کرده و به جنایت‌هایش ادامه دهد باید همراه با مردم و با استفاده از تمامی اشکال مبارزه جنایکار را سر جایش نشانند. در شرایط کنونی، متأسفانه چشم اندازی وجود ندارد که بتوان بر اساس آن تحول کم درد تری در ایران را پیش بینی کرد! متأسفانه تمامی شواهد نشان می‌دهد که ملاها که زمانی در حسرت روضه‌های ۱۵ تومانی بودند و امروز سوار بر ماشین‌های آخرین سیستم هستند، حاضر نیستند به نداهای خیر خواهانه گوش فرادهند و از این منافع دست بکشند، بود نبود جمهوری اسلامی با مشخصه‌های کنونی‌اش برای آنها اهمیت حیاتی و مسماتی دارد! بنابراین آرزوی استقرار دموکراسی در ایران با شرکت حکومت، هر چند آرزوی است شیرین، اما چنان دور از واقعیت که آدم را یاد داستان ماست زدن ملا نصرالدین می‌اندازد که:

روزی ملا در کنار دریای ناسته، یک ظرف ماست در کنارش گذاشته بود و با قاشق از این ماست بر می‌داشت و ماست دریا می‌ریخت و با چوب ماست را با آب قاشقی می‌کرد، عابری این حرکت ملا را دید و از او سؤال کرد "ملا چرا ماست به دریا می‌ریزی؟ و پاسخ شنید، "مگر کوری، دارم ماست می‌زنم عابری سؤال کرد: "آخر مگر با آب دریا می‌توان ماست زد؟ ملا جواب داد: "من هم می‌دانم این ماست نمی‌گیره ولی اگر بگیره‌ها! میدونی چی میشه؟ آتوت بق دریا ماست داریم!"

خوشحالند که بچه‌های سربزه زبرو آرامی دارند؛ بچه‌هایی که در کوچه و خیابان ول نیستند و با توپ یا تیرکمان شیشه‌های خانه همسایه را نمی‌شکنند؛ بچه‌های آرامی که به جای زل زدن در چشم پدر و مادر، به صفحه تلویزیون و کامپیوتر زن می‌زنند و محتوفاشیهایی منحصر کن می‌شوند؛ بچه‌هایی که به جای بردن وسط حرف دیگران، به درون یک هواپیمای جنگنده یا بمب افکن می‌پرند و خانه‌ها و شهرها را بمباران می‌کنند. بلکه بچه‌اند. دارند بازی می‌کنند. دنیای خیالی بازیهای کامپیوتری با دنیای واقعی فرق می‌کند. واقعاً فرق می‌کند؟

جهان واقعیت مجازی

در عصر اطلاعات مرزی میان خیال و واقعیت نیست. شما می‌توانید در یک اتاق که کاملاً شبیه به اتاق فرمان یک هواپیما درست شده، بنشینید و با زدن کلیدها و فشار دادن دکمه‌های، یک هواپیمای خیالی را روی صفحه نمایشگر کامپیوتر هدایت کنید. پس از مدتی شما واقعاً یک خلبان خواهید بود. می‌توانید سوار هواپیما شوید و آن را

را (با به قول اصحاب کامپیوتر، "چند رسانه‌ای من") در چشم برهم زدن، در اختیار دست کم سی میلیون مخاطب با نفوذ بگذارد. اینها تازه مخاطبان امروزند. طبق برآوردها، تا سال ۱۹۹۸ میلادی تعداد کامپیوترهای متصل به شبکه اینترنت از مرز صد میلیون خواهد گذشت. ایجاد چنین بنگاه خبرپراکنی گرچه شدنی است اما هزینه و ریسک آن بسیار بالاست. خیلی‌ها ترجیح می‌دهند یک خبرنگار یا فیلمسردار ساده باشند، البته نه آنقدر ساده که فکر می‌کنند. چند سال پیش یکی از این فیلمسردارهای ساده و اما تورا در برین ویدیویی خود از صحنه کتک خوردن جوانکی سیاه پوست به دست پلیس نوس آنجلس فیلمی گرفت که با بخش آن از شبکه‌های تلویزیونی، شهری راه آتش و خون کشید. همین خبرنگار ساده حالا می‌تواند پشت کامپیوتر خود بنشیند و اطلاعاتی را بر ملا کند که خدا می‌داند چه چیزهای را ممکن است به آتش بکشد. اگر دوست دارید (یا لازم است) که بترسید، از همین آدم‌های ساده بترسید.

بسیاری از پدر و مادرها

رادبوی من، تلویزیون من

اما اگر به این سادگی می‌شود یک روزنامه درست کرد. چراتوان شبکه رادبوی یا حتی تلویزیونی راه انداخت؛ این کار کاملاً شدنی است. در واقع هیچ محدودیتی در کار نیست، اگر به منابع اطلاعاتی موجود در روی شبکه اینترنت یا شبکه راهبر خود قانع باشید، هیچ وسیله اضافی دیگری لازم نخواهد داشت. مثلاً اگر از طریق بست الکترونیک با زبانیستهای مکزیک یا با رئیس جمهور آمریکا جلسه پرسش و پاسخی داشته‌اید و یا اگر به بانکهای اطلاعاتی خبری مانند اخبار شبکه آسوشیئد پرس دسترسی دارید به راحتی می‌توانید از آنها استفاده کنید. اما اگر بدون استفاده از کامپیوتر با کسی مصاحبه‌ای کرده‌اید، عکسی از واقعه‌ای گرفته‌اید یا با دوربین ویدیو از صحنه‌ای فیلمبرداری کرده‌اید، باید نخست آن را وارد کامپیوتر خود کنید. وسایل این کار ممکن است گران باشد ولی در دسترس همگان است. هر کسی می‌تواند روزنامه‌ی من، رادبوی من و تلویزیون من

به پرواز در آورید. شاید هم ترجیح دهید در همان اتاق بنشینید و از همان جا یک هواپیما ی واقعی را هدایت کنید. محیطی که شما در آن هستید محیطی فراتر از خیال است. در این محیط انتخاب با شماست. شما باید که تصمیم می‌گیرید با زهم در خیال پرواز کنید یا در واقعیت. در واقع اصحاب کامپیوتر، چنین محیطی را "واقعیت مجازی" Virtual - reality می‌نامند. شاید این عبارت به نظر متناقض برسد اما چه می‌شود کرد؟ ما با پدیده بی‌سابقه‌ای روبرو شده‌ایم که دروازه‌ها را خود نامی برای آن نداریم. در دنیای اینترنت این واژه‌ها فراوان است. کافی است کسی در این دنیا بگذرد تا ببیند که چند واقعیت مجازی دور و بر شما خواهد بود. می‌توانید وارد فروشگاه‌های مجازی یا داروخانه‌های مجازی شوید قوطی‌ها را از درون قفسه‌ها بردارید، پشت و روی آنها را نگاه کنید و اگر خواستید آنها را بخرید، می‌توانید با یک تورسیا حتی مجازی وارد کاخ سفید امریکا شوید و از گوشه و کنار آن بازدید کنید. حتی می‌توانید به مطب‌های مجازی بروید تا پزشک شما را معاینه کند.

دروازه‌های کهن فرومی‌ریزند

تعبیه از صفحه ۶
زمان بالا گرفتن دعوی آمریکا بیهوا و چینبها بر سر حق کپی رایت نا هنگام فرو نشستن گرد و خاک آنها، حتی یک نفر از چینبها برای عضو شبکه اینترنت هستند، سر این بولتنها نرفت. در واقع اینترنت به بازاری می‌ماند (با بهتر است بگویم به بازار شامی می‌ماند) که هر کس می‌تواند در آن دکه‌ای داشته باشد و تولید کننده یا مصرف کننده باشد. گرچه در این بازار بعضی‌ها فقط دورهم می‌نشینند و گپ می‌زنند و دارو هستند که تجارت می‌کنند. یکی از فعالیتهای پر رونق در اینترنت فعالیتهای اطلاع رسانی است. شبکه‌های بزرگ اطلاع رسانی مانند Prodigy و Comuser علا و بر راهبری مشترکان خود در شبکه اینترنت (گرداندن آنها در این بازار شام) صدها خدمت اضافه‌ای دیگر می‌زارند می‌دهند. در این تجمع سی میلیون، حتماً نباید مصرف کننده بود. می‌توان تولید هم

رضا پهلوی: قصد نداشتم بیانیه مشترک بدهم

● منوچهر گنجی: بیانیه مشترک حاصل سالها تفاهم رضا پهلوی با من است

بزرگترین خدمتی که رضا شاه به ایران کرد، نجات مملکت از ورطه تجزیه و از هم پاشیدگی بود. عشقی که پدرم به حفظ و تأمین این یکپارچگی و به نیرومند کردن ایران داشت عشقی افسانه‌ای بود، بر تمام وجود و زندگی و ذهن او تسلط داشت. این مقدس‌ترین و گرانبه‌ترین میراث ماست.

از سوی دیگر منوچهر گنجی در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه "تیمروز" از بیانیه مشترک خود با رضا پهلوی دفاع کرد و امضای "توافقنامه" را حاصل تفاهمی که از سالها پیش بین او و رضا پهلوی وجود داشته، دانست. منوچهر گنجی در این مصاحبه بار دیگر تأکید کرد که از "سیا" و چندین کشور غربی و خاورمیانه‌ای پول می‌گیرد. گنجی فاش ساخت که "توافق مذکور بین او و رضا پهلوی و انتشار بیانیه مشترک به ابتکار و پیشنهاد شخصی به نام "کنت تیمرمن" صورت گرفته است. وی در ملاقات گنجی و پهلوی حضور داشته است و باز هم نیز بوده است که پیشنهاد داده تا در بیانیه مشترک مورد "اعطای خود مختاری به کردستان" آورده شود. منوچهر گنجی "کنت تیمرمن" را یکی از روزنامه‌نگار آمریکایی معرفی کرده است.

رضا پهلوی در مصاحبه با کیهان چاپ لندن، اعلام کرد قصد صدور اعلامیه یا ایجاد جبهه مشترک با کسی را نداشته و ندارد. وی پیرامون دیدار اخیر خود با منوچهر گنجی و بیانیه مشترکی که با او امضا کرده است، گفت: در این مورد هم به هیچ وجه قصد صدور بیانیه یا ایجاد جبهه مشترک در میان نبود، بلکه هدف مانند دیگر دیدارها و گفتگوهای من، تبادل نظر و احیای تأکید بر برخی مواضع مشترک بود که متأسفانه به شکلی دیگر انعکاس یافت و به سوء تعبیرها و گاه کاملاً ناروا، دامن زد.

بخش عمده توضیحات رضا پهلوی در این مصاحبه، متوجه رفع سوء تعبیر در مورد واژه "خودمختاری" که در بیانیه او و منوچهر گنجی آمده است، بود. رضا پهلوی در این مورد گفت: سو تعبیری که در اذهان دو این مورد به خصوص ایجاد شده، به نظر من بیشتر ناشی از حساسیتی است که هموطنان من به حق در مورد واژه خودمختاری دارند. متأسفانه که در ترجمه متن انگلیسی از معادل فارسی دقیق‌تر و مناسب‌تری استفاده شده است. "رضا پهلوی" "حفظ استقلال، یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران" را یکی از هدفهای عمده خود نامید و افزود:

نکرده باشد. تهدید به گسختن شیرازه جامعه، در واقع همواره تهدیدی علیه جیب و کمونیسیم بوده است.

حکمت در ادامه مقاله خود نتیجه می‌گیرد که: "بحث سناریوی سفید و سیاه بحث مسألت جوئی در برابر خشونت طلبی، یا میانه روی در مقابل افراط گری نیست. او معتقد است: "سناریوی سفید، سازماندهی انقلاب علیه جمهوری اسلامی به رهبری طبقه کارگر در ایران است" و می‌نویسد کمونیسیم کارگری برای پایان دادن به سناریوی سیاه باید با قدرت نظامی وارد عمل شود.

حکمت در پاسخ به این سوال که برای جلوگیری از وقوع سناریوی سیاه چه می‌توان کرد، آماده شدن جریان "کمونیسیم کارگری" در برابر این فاجعه و بردن آگاهی به میان مردم را دو وظیفه مستقیم می‌شناسد و در مورد سایر نیروهای اپوزیسیون نیز معتقد است: باید کاری کرد که بخش هر چه وسیعتری از این جریانات اولاً علناً وجود این مخاطره را به رسمیت بشناسند و ثانیاً رسماً به حداقلی از اصول سیاسی و عملی در راستای اجتناب از سناریوی سیاه متعهد شوند.

حکمت اتحاد عمل نیروهای مخالف سناریوی سیاه را رد می‌کند و تعهد به اصول مشترک را پیشنهاد می‌کند. او می‌گوید: این حتی حاکی از توافق دو جانبه و یا جند جانبه میان تعهد کنندگان و با امضاء کنندگان چنین بیانیه‌ای نیست. همانطور که متعهد شدن جریانات مختلف در سطح جبهه به بیانیه حقوق بشر ائتلاف و یا حتی تماس آنها با هم نیست.

حکمت نتیجه می‌گیرد: "توافق نیروهای سیاسی بر سر تلاش برای اجتناب از سناریوی سیاه، توافقی بر سر آشنی ملی و با گونه دیگر را برگرداندن نیست. توافقی بر سر حفظ سطحی از فرهنگ سیاسی و تعهد به اصول معینی خنی در صورت حدت یافتن اوضاع است."

مراسم گرامی داشت دکتر کریم سنجابی

پس از پایان مراسم یادبود، جلسه با بحث آزاد پیرامون مشکل استقرار حاکمیت ملی و دموکراسی در ایران و راه‌حل‌های آن ادامه یافت.

بحث آزاد با سخنران آقای منتظر حقیقی گشوده شد. وی ضمن تشریح اوضاع سیاسی و تجربیات انقلاب بهمین نتیجه گرفت که نیروهای آزادیخواه باید برای ایجاد تحول در کشور فشار را بر ضرورت اجرای قانون و موازین قانونی در کشور قرار دهند و اجرای قانون اساسی حکومتگران را از آنان بخواهند. دکتر علی راسخ نیز در همین چارچوب سخن گفت و خواست اجرای قانون و سنت دیرپایی اساسی را مشخصه و سنت دیرپایی در سیاست‌های جبهه ملی ایران دانست. آقای بیات‌زاده در سخنان

به دعوت دوست‌داران جبهه ملی ایران در شهر کلن - آلمان - روز شنبه ۱۱ شهریور مراسمی برای بزرگداشت زنده‌یاد دکتر کریم سنجابی برگزار شد. دکتر کریم سنجابی چهل روز پیش از این تاریخ، دور از وطن در تبعید درگذشت.

دور روز پیش از برگزاری این مراسم آقای محمد اعتصامی فر از چهره‌های سرشناس نهضت ملی ایران، بر اثر اختلال در دستگاه تنفسی در بیمارستانی در سوئیس وفات یافت. نام وی به عنوان یکی از سخنرانان مراسم بزرگداشت دکتر سنجابی اعلام شده بود. این واقعه اسفبار، بزرگداشت دکتر سنجابی را با ابراز همدردی نسبت به یاران و بازماندگان شادروان اعتصامی فر، توأم کرد.

در مراسم بزرگداشت دکتر سنجابی، پیام‌هایی در تجلیل از سنجابی و ابراز همبستگی و همگامی با راه و آرمانهای او خوانده شد و آقایان دکتر علی راسخ از "جبهه ملی ایران"، دکتر منصور بیات‌زاده از سازمان سوسیالیست‌های ایران و همایون مسقدم از حزب سنت ایران سخنرانی کردند.

بقیه در صفحه ۸

سناریوی سیاه، سناریوی سفید

منصور حکمت (ماهنامه انترناسیونال - تیر ۷۴)

در سطح کل منطقه موجودیت دارند و برای اعاده قدرت جریان اسلامی و با یک حضور سیاسی نظامی در هر بخشی از کشور که زورشان برسد تلاش می‌کنند.

۳ - با سقوط شوروی و پایان موازنه دوران جنگ سرد بحران‌های سیاسی و حکومتی، به ویژه در کشورهای عقب مانده که در دوران قبل زیر مجموعه‌ای از فشارها کنترل می‌شد و سریع به فرجام می‌رسید، اکنون کشدار و پیچیده می‌شود... با توجه به اوضاع جهانی و فقدان الگوها و اردوگاه‌های هژمونیک بورژوازی در سطح جهانی، حتی یکسره شدن فرم حکومتی برای خود بورژوازی ایران، بدون کشمکش‌های حاد عملی نیست.

۴ - توافقات قدیم بین‌المللی میان قدرت‌های امپریالیستی و اردوگاه‌های رقیب از میان رفته و کل جهان به صحنه یک رقابت چند قطبی بر سر مناطق نفوذ تبدیل شده است. جدال قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بر سر نفوذ در ایران جای تردید ندارد. یک رکن جنگ داخلی احتمالی در ایران این رقابت‌ها خواهد بود.

منصور حکمت سپس نتیجه می‌گیرد: "با توجه به این فاکتورها و عوامل مشخص دیگر، به نظر من وقوع سناریوی سیاه در ایران یک احتمال واقعی است."

حکمت به بررسی نیروهای سیاسی ایران می‌پردازد و می‌نویسد که بعضی از نیروها خصلاً به سناریوی سیاه تعلق دارند و بعضی به سناریوی سفید. او نیروهای وابسته به حکومت اسلامی و مجاهدین خلق را نیروهای سناریوی سیاه می‌داند. در مورد نیروهای "رفرمیسیم" - منظور او نیروهای چپ از حزب توده ایران تا راه کارگر است - می‌نویسد: "علیرغم اینکه این یا آن گروه کوچک و یا محفل منشعب در این طیف ممکن است حرکات غیر عقلایی بکند، در کل فکر می‌کنم اینها در بدترین حالت حداکثر در حاشیه وقایع قرار می‌گیرند. اگر عنصر فعالی در جلوگیری از سناریوی سیاه

نباشند، عامل تشدید کننده آن هم نخواهند بود. در مورد "کیران‌ها" می‌گوید: اینها هم مانند دسته قبلی در تحلیل نهایی در حفظ سالوده مدنی جامعه ذی‌نفعند، اما مشتت‌تر و بخصوص بی‌رهبرتر از آنند که تا نبر زیادی له با علیه این روند داشته باشند.

در بررسی نقش سلطنت طلبان، منصور حکمت می‌نویسد: "جریانی که به طور واقعی وزن خواهد بود و باید چه امروز و چه در آینده دقیقاً مراقب حرکاتش بود، جریان به اصطلاح سلطنت طلب است... پیش بینی عملکرد سلطنت طلبان در متن یک سناریوی سیاه کار پیچیده‌تری است. از یک سو روشن است که اینها بر خلاف فرقه‌های اسلامی و دستجات اوپانش نظامی به تبات و برقرار ماندن فعل و انفعالات متعارف اجتماعی علاقمندند. یکی از ترس‌های اصلی اینها "تجزیه کشور است، بدرجه‌ای نماینده سیاسی سرمایه‌های بزرگ ایرانی و غربی هستند که به ایران اساساً به عنوان یک حوزه تولید و سود می‌نگرند. منطقاً در پی جلوگیری از بهم ریختن اوضاع خواهند بود. اما از سوی دیگر اینها یک پای ثابت هر جنگ داخلی هستند و برای تثبیت کامل قدرت خودشان از هیچ جنگ افروزی و سرکوب و جنبانی فروگذار نخواهند کرد."

حکمت احزاب خودمختاری طلب کردستان و دیگر جریانات "ملی و قومی" را نیز ماهیتاً جزو نیروهای می‌داند که متعلق به سناریوی سفید هستند و عمده‌ترین نیروی این سناریو را جنبش کمونیستی و طبقه کارگر ایران می‌داند.

او می‌گوید: "اگر یک جریان در کل ایران وجود داشته باشد که واقعا خواهان جلوگیری از تجربه یوگسلاوی و افغانستان است. همین جریان کمونیسیم کارگری است... برای ما مهم و بلکه حیاتی است افاق و انتظار انسان‌ها از زندگی و آینده‌شان زیر فشار کشت و کشتار و توب و خمپاره و گرسنگی و درگیری سقوط

آقای منصور حکمت، در ماهنامه انترناسیونال (تیر ماه ۷۴)، در یک مقاله مفصل، نظر حزب کمونیست کارگری ایران در پاره "سناریوی سیاه، سناریوی سفید" را تشریح کرده است.

منصور حکمت در تعریف آن چه که سناریوی سیاه می‌نامد، می‌نویسد: "من سناریوی سیاه را به وضعیتی اطلاق می‌کنم که در آن صحبت نه بر سر تحول جامعه، بلکه بر سر تخریب چهارچوب مدنی جامعه بر خلاف میل و اراده مردم و در متن عجز و استیصال عمومی است."

این اوضاع در ایران هم می‌تواند رخ دهد. این طور که اوضاع پیش می‌رود بعید نیست که روزی مردم جهان بر صفحه تلویزیون‌هایشان آوارگانی را ببینند که از شیراز و اصفهان و رشت و اراک گریخته‌اند و شیون می‌کنند که فلان جماعت اسلامی، فلان گروهان از جبهه آریان اصیل، یا پیمان شاخه مجاهدین، شهر و خانه و مدرسه‌اشان را روی سرشان خراب کرده‌اند و مردم را به خون کشیده‌اند. این وضع می‌تواند نه یک حادثه استثنایی، بلکه یک قاعده، یک روش زندگی در ایران شود... به رسمیت شناختن این خطر، یعنی احتمال واقعی وقوع این سناریوی سیاه در ایران، نه نظر من یک شاخص جدی بودن نیروهای سیاسی و محک صلاحیت رهبران آنهاست."

منصور حکمت زمینه‌های وقوع این سناریوی سیاه را چنین برمی‌شمارد:

۱ - دوران بحران سیاسی عمق یابنده که سرنوشتی و یا دگرگونی اساسی رژیم اسلامی یک مرحله اجتناب ناپذیر آن است، آغاز شده است.

۲ - "جمهوری اسلامی رژیم سلطنت نیست که ذوب شود، حتی در صورت سرنوشتی رژیم چندین جریان مذهبی و فالانژ مسلح، بالنسبه قوی و کینه توز، تروریست و ضد جامعه از آن باقی می‌مانند که

نشریه کردستان در سرمقاله خردادماه بنام "قطع روابط بازرگانی آمریکا با ایران، علل و نتایج آن" به بررسی اثرات تحریم اقتصادی ایران از سوی آمریکا پرداخته و ضمن اشاره به مشکلات بی‌پایان مردم ایران نوشته است:

راه چاره‌ای این بدبختی که دچار هموطنان ما شده است بر خلاف آنچه عده‌ای از کشورهای اروپایی در توجیه ادامه‌ی معاملات خود با ایران بیان می‌کنند یعنی داشتن روابط تجارتمندی با ایران و رابطه‌ی نزدیکی با آن بمنظور تعدیل رژیم، سقوط جمهوری اسلامی و بنیانگذاری حکومتی

حزب دموکرات کردستان تحریم اقتصادی به سود ماست

بنظر ما محکوم کردن فشارهایی که در این زمینه بر جمهوری اسلامی وارد می‌شود بزیان مردم ایران و جنبش سراسری و در خدمت طولانی‌تر شدن حکومت آخوندها است. اتخاذ چنین مواضعی موجب توهم پراکنی در میان مردم ایران خواهد شد و کمک خواهد کرد تا حاکمان بی‌کفایت جمهوری اسلامی ایران تقصیر ناسامانها و سختی معیشت مردم و صدها مشکل دیگر را که خود آفریننده‌ی

دموکراتیک و مردمی بر ویرانه‌های آن است، و این ممکن نمی‌شود مگر با هماهنگی فشارهای داخلی و خارجی و یکی از فشارهای خارجی عیارتست از تصمیمی که آمریکا اتخاذ کرده است. این کار مسلماً باعث ایجاد فشار بیشتر از داخل خواهد بود و در تضعیف جمهوری اسلامی تأثیر خواهد گذاشت، و متقابلاً تضعیف جمهوری اسلامی تقویت نیروهای اپوزیسیون ایران است.

<p>فرم درخواست اشتراک "کار"</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدد اشتراک <input type="checkbox"/></p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: Name: _____</p> <p>Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بایهای اشتراک (حک)، حواله بانکی یا سمر (به آدرس "کار" پست نمایند.</p>		<p>بهای اشتراک "کار"</p> <p>اروپا</p> <p>ششماه ۴۵۰ ماری</p> <p>یکسال ۹۰ ماری</p> <p>سایر کشورها</p> <p>ششماه ۵۲ ماری</p> <p>یکسال ۱۰۴ ماری</p> <p>GER 3 DM</p>	<p>"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p> <p>Verleger: I.G.e.v</p> <p>دارنده حساب: I.G. e.v.</p> <p>شماره حساب: 22442032</p> <p>کدبانک: 37050198</p> <p>Stadtsparkasse Köln</p> <p>Germany</p> <p>شماره فکس: 0049 - 221 - 3318290</p>
---	--	--	--

بن بستنی ناشناخته

برگردان از مجله اسپیکل، ویژه نامه ژوئیه ۹۵

پژوهش‌های علمی دانشمندان در زمینه محیط‌زیست، از بیابان‌های رطوبت‌گسترش تکون‌توزی به شیوه‌ی کنونی رباب‌تغییرات جوی سیاره‌ی مایست از پیش آشکار می‌سازند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که چگونه افزایش تشعشعات گازهای ناشی از سوخت‌های سیلیلی چون نفت و زغال و انتشار آن‌ها به جو زمین تا اثرات مثبت شکن خود را بر آب و هوای آبی کره‌ی زمین خواهند گذاشت. در این میان آگاهی همه نیروهای مسئول و مردم دنیا از این تحولات و روندهای آبی زیست محیطی از ضروریات مبرم برای جلوگیری از نتایج فاجعه‌باری است که در صورت ادامه‌ی سیاست‌های کنونی در زمینه‌ی تولید انرژی و نیز انگوی مصرف در پهنه‌ی جهانی بوجود خواهد آمد. در این میان پیچیدگی مسائل برای کشورهای جهان سوم و در حال توسعه باتوجه به مشکلات و بحران‌های حاد اقتصادی که گریبانگیر ایشان است و حاکمیت رژیم‌هایی که قبل از هر چیز فقط در فکر تثبیت قدرت خویش اند، به مراتب بیشتر از مسائل صنعتی و با قدرت اقتصادی برتر

نظر به اهمیتی که امر خطرناک‌شده‌ی تولید انرژی، روش و منش سبز در روند توسعه‌ی صنعتی با هدف حفظ سلامت محیط‌زیست و تغییر فرهنگ عمومی مصرف جوامع بشری در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آبی برای تمامی کشورهای توسعه‌یافته و جهان سوم داراست، بسیار ضروری است که نیروهای سیاسی و متخصص چه در عرصه‌ی ملی و چه در عرصه‌ی بین‌المللی نسبت به طرح مباحث و کوشش در راستای ارائه راه‌حل هاسیم گردند و این همان چیزی است که به سرنوشت و بقای تمامی انسان‌ها مصرف‌نظر از این‌که به چه قشر، طبقه، نژاد یا ملیتی وابسته اند گره خورده است.

مقاله‌ی حاضر با عنوان "بن بستنی ناشناخته" برگردان یکی از مقالات ویژه‌نامه‌ی ماه ژوئیه ۹۵ مجله آلمانی اسپیکل است که مباحث خود را به معضل انرژی اختصاص داده است. دگرگونی‌ها و پیش‌بینی‌هایی که مورد بحث این مقاله است از آن رو قابل تأمل و بررسی است که بر پایه‌ی یک سلسله پژوهش‌ها و فرضیات علمی صورت گرفته‌اند. واقعیت اینست که دانش انرژی بشر در زمینه‌ی پیش‌بینی آب و هوای تغییرات جوی بسیار پیشرفت کرده است. این بررسی‌ها از طریق مدل‌سازی محاسباتی انجام گرفته است که با کم‌کم کامپیوتر صورت می‌گیرد و آن تلاش می‌شود که سازو کارهای طبیعی به همان صورتی که در واقعیت موجود است، پیاده شوند و از طریق مطالعه و محاسبه‌ی نتایج به دست آمده، پیش‌بینی‌های مربوط به آینده‌ی تحولات واقعی اقلیمی صورت پذیرد. از این رو این پیش‌بینی‌ها اگر چه نمی‌توانند به طور تمام و کمال منظره‌ی آبی تحولات جوی را ترمیم نمایند ولی دستکم قادرند که شمائی کلی از آنچه که در حال وقوع است را به دست دهند.

ضربان سهمگین شلاق یاد به شیروانی‌ها در شمال آلمان دهشتناک تراخشم خدایان بر جریز فریزي " فرود آمد و در ربندها مهورگ امواج ویرانگر آب را جاری ساخت. طوفان‌های تخریب کننده‌ی زمستانی در اوائل سال ۱۹۹۰ خساراتی معادل چهار میلیارد مارک بر جای نهادند. یک سال بعد زاپنی‌ها دوبار این خسارات را پس از آنکه طوفان " میرا بله " با سرعتی معادل ۲۳ کیلومتر در ساعت بر سر این مجمع‌الجزایر نازل شد به ثبت رسانندند. تازه اینها در مقابل طوفان " اندره " که در تابستان ۱۹۹۲ در فلوریدای آمریکا، ۸۵۰۰۰ خانه را ویران ساخت و با ۲۵ میلیارد مارک خسارت به مثابه گران ترین طوفان زمان شناخته شده، چیزی نبودند. جریان سوانح طبیعی همچنان ادامه می‌یابد. طوفان‌های ویرانگری که در سال‌های اخیر بر سرزمین‌های کره خاکی فرود آمدند، چهار برابر بیش از سوانح دهه شصت می‌باشند و خسارات وارده توسط آنها ده‌ها برابر این زبان‌ها باید نه همیشه ولی اغلب توسط شرکت‌های بیمه پرداخت شوند.

"گرهارد برنس" هواشناس در شرکت بیمه "مونتن اروک" که بزرگترین شرکت بیمه‌ی مادر در جهان است، معتقد است، اوضاع به طرز عجیبی به وخامت گراییده است. تا یزمالی در تفسیری نوشت: گرم شدن عمومی زمین عرق بیمه‌کنندگان را بشته در می‌آورد. و برنس می‌افزاید: اطمینان ما بر این نکته که گرمای عمومی جویزمین مدتی است که کثرت و شدت فجاجع طبیعی را تحت الشعاع قرار داده هر روز بیشتر می‌شود.

برای بیمه‌کنندگان بسیار واضح گردیده که سوختن هر چه بیشتر زغال و نفت بشریت را به بن بستنی ناشناخته می‌کشاند. در این میان طوفان‌ها فقط عضوی از زنجیره‌ی بزرگ تأثیرات بر تحولات جوی می‌باشند. علائم زیریناگر آثار تخریب‌جوبه

معادل نرخ رشد کنونی در آینده هم چنان به جو زمین ساطع شوند این پیش‌بینی را تأیید می‌کنند که حداکثر تا پایان قرن آینده دمای کره‌ی زمین به اندازه‌ی ۲ درجه به نسبت امروز بالا خواهد رفت.

در نظر اولیه این افزایش دمای متوسط فقط جهشی کوچک به نظر می‌رسد ولی در واقع امر مسبب بنیادی ترین دگرگونی‌های اقلیمی هزاره‌ی اخیر در زمین خواهد گردید. در عصر گرم‌تر حدود یک صد هزار سال قبل از این چنین دمائی، یعنی ۲ درجه به طور متوسط گرم‌تر از امروز، وجود داشته است. در اروپای میانه‌ی آن دوران آب و هوایی نظیر آفریقای امروزی وجود می‌داشت، فیل‌ها با قدرت و عظمت از میان جنگل‌های شمال آلمان عبور می‌کردند، اسب‌های آبی در این شنای می‌کردند و شیران در ساحل می‌آرمیدند و با همین اختلاف دما دوران حاضر خود را از عصر یخبندان یعنی افراط دیگر اقلیمی جدا می‌سازد. در آخرین دوره یخبندان در حدود ده هزار سال پیش، یعنی از اروپا توسط قشر عظیمی از یخب پوشیده شده بود و سطح آزاد آب حدود ۱۲۰ متر پایین‌تر بوده است. با دشمنالی در گوش خرس‌های قطبی که در حواشی دریای شرق در جنب و جوش بودند زوزه می‌کشید.

از دوران جدایش انسان، پاشیده شدن امواج طوری‌ها، ظهور جنگ‌ها و تحویل مهاجرت‌های دسته‌جمعی و پیدایش مذاهب جدید همگی با تغییرات بسیار کم دمای متوسط در جو امکان پذیر گردیده‌اند.

آقای "گرد ویر" هواشناس اتحادیه‌ی کل معادن زغال سنگ آلمان در "اسن" این تغییرات جوی را در رویای خود منظور ترمیم می‌کند که کره‌ی زمین به یک باغ بهشتی تبدیل خواهد شد و نه انطور که بسیاری ادعا می‌کنند، به یک منطقه‌ی فاجعه.

مدل‌های کامپیوتری کمترین تردیدی در این امر باقی نمی‌گذارند که قبل از هر چیز در جنوب، عصر کمبودها آغاز می‌شود. گرمای شدید باعث می‌شود که آب بیشتر بخار شود. افزایش دمائی معادل یک تا دو درجه باعث می‌شود که میزان بارندگی در مناطق نیمه خشک به میزان ده درصد کاهش یابد، چشمه‌ها بی‌آب و زمین‌ها خشک می‌شوند و دیگر گیاهی در آنها رشد نمی‌کند و کویرها افزایش می‌یابند. در اسپانیا، ایتالیا، بخش‌هایی از یونان، مناطق وسیعی از آفریقا، در خاورمیانه و همچنین ایالات متحده آمریکا، مناطق خشکی همانند ساحل در آفریقا ایجاد می‌شود. در شمال هوا گرم‌تر و رطوبت افزایش می‌یابد. قابل تصورات که در آن صورت آب و هوایی نظیر ایتالیا در آلمان ایجاد می‌شود، به طوری که در جزیره‌ی "هلگولند" واقع در دریای شمال نخل‌ها و سایر گیاهان مناطق گرم و مرطوب رشد می‌کنند. بر روی یخ‌های ذوب شده در سرزمین سیبری علفزارهای سبز پدیدار می‌شوند، در ایسلند آموزشگاه‌های اسکای روی آب افتتاح خواهند شد. آیا دست کم در شمال یک دوران بهشتی نخواهد بود؟

دانشمندان هواشناس در این زمینه کمتر خوش بینند، احتمال آن می‌رود که بارندگی‌های اضافی که در اثر گرمای زمین ایجاد خواهند شد زمانی نازل شوند که استفاده‌ای برای

برنس یا نرسه برای تخلیه‌ی سازمان‌یافته‌ی این مناطق می‌گردد: "ممنوعیت استفاده از زمین‌هایی که در مناطق ساحلی کم عرض قرار دارند نیروی بالقوه برای ایجاد خسارات را به طور مزیتری کاهش می‌دهد. شاید امکان اجرای چنین امری برای ملت صنعتی چون آمریکا که البته سرمایه‌های پهناوری هم هست فراهم باشد ولی جمعیت متجاوز از ۱۰۵ میلیون بنگلادش را در هنگامی که سرزمینشان در آب و گل غرق می‌شود در کجای می‌توان اسکان داد؟

سطح دریاهای آزاد در قرن آبی در اثر ذوب یخچال‌ها و انبساط گرمائی آب، یک و نیم تا دو متر افزایش می‌یابد. مساحتی معادل پنج میلیون کیلومتر مربع از مناطق ساحلی یعنی چیزی معادل بیسی از قاره‌ی اروپا به زیر آب فرو خواهد رفت. این میزان البته تنها سه درصد از سطح زمین است، ولی همین زمین‌ها معادل یک سوم از خاک حاصلخیز برای کشاورزی را تشکیل می‌دهند.

هلندی‌ها در مطالعه‌ی این نتیجه گرفتند که ایجاد سدهای حفاظتی در برابر طغیان‌های آب در مناطق پر جمعیت ساحلی چیزی حدود ۴۸۸ میلیارد دلار در سراسر جهان هزینه‌یر می‌دارد. "هارموت گراسل" اقلیم شناس و هماهنگ کننده‌ی پژوهشی‌های اقلیمی سازمان ملل در ژنو می‌گوید: "شاید جوامع صنعتی از عهده چنین هزینه‌ای بر آیند ولی کشورهای در حال رشد مسلماً دارای چنین قدرتی نیستند.

در شرایطی که کشورهای سازمان همکاری و توسعه می‌یابستی به طور میانگین تنها ۲۷ هزارم درصد از تولید ناخالص ملی خویش را برای حفاظت از مناطق ساحلی اختصاص دهند، اهالی "مالدوای" برای نجات خویش باید ۳۴ درصد از تولید ناخالص ملی خود را خرج کنند و این در حالیکه به بلندترین گوه در آنجا تنها ۲ متر ارتفاع دارد. نخست‌وزیر جزیره "توفالو" واقع در پاسیفیک جنوبی برای اهالی این جزیره هم اینکه از اسرائیلی‌ها تقاضای پناهندگی کرده است.

احتمالاً اوضاع از این هم بدتر می‌شود. آخرین یافته‌های علمی درباره‌ی آب و هوای ما قبل تاریخ این شک را قوت می‌بخشد که مدل‌سازی‌های کامپیوتری در زمینه‌ی افزایش طوفان‌ها، خشکسالی‌ها و طغیان آب‌ها تنها یک تصویر مبهم و ناروشن از تمام ماجرا را به ما می‌دهد، یعنی فقط آنچه را که انسان‌ها توقع دارند.

در بررسی نمونه برداری از یخچال‌های طبیعی که از حدود ۱۲۵۰۰۰ سال پیش از عصر گرم‌تر برای جای مانده‌اند، مورخین اقلیمی کشف‌های عجیب‌انگیزی کرده‌اند. به موجب این کشف آب و هوای در خلال عصر گرم‌تر به طریقی ما را به سوی نوسانی تحول یافته است، چیزی که اقلیم شناسان در مدل‌های تحقیقی‌شان آنرا غیر ممکن می‌یافتند: زمانی دمای میانگین در عرض یک دهه به میزانی بیش از ۱۴ درجه کاهش یافت و حلول سرما حدود ۷۰ سال دوام پیدا کرد. پس از آن بار دیگر در یک دوره‌ی زمانی طولانی گرمای شدیدی حاکم بود، ولی در عرض چند سال دوباره دما به طور شدیدی نزول کرد. در خلال عصر گرمای ما قبل تاریخ آب و هوا بین وضعیت‌های کاملاً متفاوتی در نوسان بود. درست مانند آنکه خدای اقلیم هر چند سال یکبار با کلید کنترل آب و هوا بازی می‌کند.

آیا آب و هوای اروپا هم به همین ترتیب در عرض چند دهه بین سرمای سیبری شمالی تا گرمای حاره‌ای نوسان می‌کند؟ چنین امکانی هم از نظر ما در

یست. از آنجا که میانگین دمای عمده‌ی در عصر گرمای سابق نسبت به امروز ۲ درجه گرم‌تر بوده است. این عصر را می‌توان به مثابه‌ی یک نمونه‌ی تاریخی از دوره‌ی گرمائی کره زمین به حساب آورد. از اینرو این شک نفی می‌شود که گرمای ایجاد شده توسط آدمی بار دیگر کره‌ی زمین را در وضعیت بی‌نیات نوسانات درجه‌ی حرارت قرار دهد. اما در فیزیک آنی در گذشته‌ی اروپا به تناوب آب و هوای کویری به یخبندان تبدیل خواهد شد؟

چنین چشم‌اندازی بی‌تردید دهشتناک‌تر از تمام سناریوهایی است که تا کنون نوشته شده‌اند. "هانس میلیز" پژوهشگر در امور قطب‌های زمین می‌گوید: "شاید گیاهان و کشاورزی بتوانند خود را با افزایش ندریجی گرم‌تر به نحوی تطبیق دهند ولی با نوسانات سریع دما مسلماً هیچ حاجتی بر آورده نخواهد شد."

پژوهشگران احتمال می‌دهند که تغییرات جوی می‌توانند در اثر پدیده‌ی "آب بالا بری" در آتلانتیک شمالی ایجاد شوند. در منطقه‌ی دریایی اطراف ایسلند و مناطق یخچالی غلنتک عظیمی از انرژی گرمائی شروع به چرخش می‌کند. منشاء این انرژی جریان وسیعی از آب‌های سطحی به وسعت ۲۰ برابر آب‌های سطحی تسمائی رودهای سطح زمین است که به کف دریا می‌ریزد و به طرف جنوب سرازیر می‌شود. به این ترتیب نوعی دستگاه پمپ به کار می‌افتد و از آن طریق آب‌های گرم خلیجی را در سطح دریا به سوی شمال جاری می‌سازد. این جریانات انرژی گرمائی زیادی را در اروپای غربی آزاد می‌کنند.

تنها در صورتی که آب دریا به قدر کافی سنگین، یعنی از میزان کافی نمک برخوردار باشد، می‌تواند به عمق جاری شود و این چرخ طیار بزرگ را به حرکت درآورد. چنانچه در شور دریا با مقدار زیادی آب شیرین منتهی از ذوب یخچال‌ها مخلوط گردد، به طوری که غلظت نمک آن کاهش یابد، ماشین تولید گرم‌تر در آتلانتیک شمالی از حرکت خواهد افتاد و در این صورت به طور ناگهانی در اروپا آب و هوایی نظیر آلاسکا ایجاد خواهد شد و این امر تا زمانی که پمپ مجدداً آب به جریان افتد ادامه خواهد یافت.

میلیز یخچال شناس توضیح می‌دهد: "آب و هوای منطقه اقیانوس‌ها در برابر چنین اختلال‌هایی به طرز فوق‌العاده حساس و واکنش نشان می‌دهد". در عصر یخبندان هم که به دنبال عصر گرم‌تر به وجود آمد، منحنی درجه حرارت به طرز عجیبی به بالا و پایین نوسان داشت. تنها درده هزار سال اخیر است که آب و هوای ثابت پیدا کرده است. ولی کسی از علت آن چیزی نمی‌داند.

پژوهشگر دانمارکی "کلاوس هامار" معتقد است: "تا زمانی که ما هنوز نمی‌دانیم که به چه دلیل در چنین ثبات عجیبی زندگی می‌کنیم، به هیچ ترتیبی نمی‌بایستی ریسک نماییم و سیستم اقلیمی خود را با تشعشعات هر چه بیشتر گازهای گلخانه‌ای به وضعیتی بی‌ثبات تبدیل کنیم. برای این هشدار به اعتقاد کارشناس هواشناسی "هانس" بوایخم شلن هوپر "بسیار دیر شده است، چرا که ما اکنون هوایمان را به پرواز درآورده‌ایم که با دستورالعمل آن کوچکترین آشنائی نداریم. به نظر این دانشمند بستدستی فقط مدیریت در امر فاجعه به منزله‌ی تنها راه چاره‌ی پیش روی ماست: اکنون با بسیاری پرواز را در حین پرواز می‌موزیم تا موفق شویم ماشین اقلیم زمین را در پایان به آرامی فرود آوریم."

به دنبال تصرف هرات توسط طالبان

جمهوری اسلامی مرزهای خود با افغانستان را بست

● هشدار وزیر کشور به افغانی‌ها: به مرزها نزدیک نشوید
● جمهوری اسلامی اعلام بی‌طرفی کرد

روز سه‌شنبه ۱۴ شهریورماه، نیروهای طالبان پس از یک رشته شکست‌های نظامی در جنگ داخلی افغانستان، برای نخستین بار موفق شدند شهر هرات در غرب افغانستان را که تا هفته گذشته، تحت کنترل نیروهای وفادار به دولت برهان‌الدین ربانی در کابل بود، به تصرف درآورند. طالبان به دنبال تصرف هرات، در این شهر حکومت محلی جدیدی برقرار کردند. یک سخنگوی سازمان ملل در پاکستان گفت اوضاع هرات در پی استقرار طالبان در این شهر، آرام است. سازمان ملل، انتقال محموله‌های کمک به هرات از طریق فرودگاه این شهر را قطع و اعلام کرده است این پروازها زمانی از سر گرفته خواهد شد که امنیت آنها دوباره تأمین شده باشد. یک سخنگوی دولت کابل اظهار داشت نیروهای دولتی برای پس‌گرفتن هرات دست به حمله خواهند زد. به دنبال سقوط هرات، در کابل طرفداران دولت افغانستان به سفارت پاکستان که متهم به حمایت از طالبان است حمله کردند. این حمله، دو کشته به جای گذاشت و در جریان آن، سفیر پاکستان مجروح شد.

حمله به سفارت پاکستان در کابل، روز چهارشنبه ۱۵ شهریور توسط حدود ۵ هزار نفر صورت گرفت. در این حمله مجموعاً ۲۵ نفر مجروح و در بیمارستان بستری شدند. در کابل، یونس قانونی، کفایت وزارت دفاع افغانستان، مسئول کمیسیون امنیت کابل نیز هست، اظهار داشت: "ما از بابت آنچه در سفارت پاکستان روی داد متأسفیم، اما دلیلی نمی‌بینیم که از پاکستان عذرخواهی کنیم چرا که پای دولت مستقیماً در میان نیست. این امر مربوط به مردم افغانستان است که از دخالت خارجی در جنوب غربی افغانستان خشمگین‌اند." اشاره قانونی، به تصرف هرات توسط طالبان بود که کابل می‌گوید مورد حمایت پاکستان‌اند. هفته گذشته پاکستان بار دیگر منکر حمایت از طالبان و مدعی بی‌طرفی در بحران افغانستان شد.

پس از تصرف هرات توسط طالبان، نیروهای شورای هماهنگی انقلاب اسلامی که از گروه‌های حزب ملی اسلامی شمال، حزب اسلامی حکمتیار، جبهه نجات ملی، حزب وحدت شاخه خلیلی تشکیل شده، وارد شهر بامیان در مرکز افغانستان، یخسنداریهای غوربند، تکاب و بخراب در استان پروان در شمال کابل شدند. تورغندی هرات که نیروهای طالبان آن را به تصرف درآوردند، افغانستان را به ایران متصل می‌کند.

● جمهوری اسلامی مرزها را بست

در پی سقوط هرات و پیش روی طالبان به سوی غرب افغانستان، مسئولان جمهوری اسلامی جلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل دادند. در این جلسه که با عنوان ستاد مرزها و بازپس‌گیری محمد بشارتی تشکیل شد، فرماندهان نظامی و اطلاعاتی و مسئولان امنیتی و سیاسی رژیم حضور داشتند. در این جلسه مقرر شد که همه مرزهای ایران و افغانستان بسته شود و نیروهای انتظامی ایران در مرز افغانستان تقویت شود.

در پایان جلسه، وزیر کشور به نیروهای نظامی و انتظامی دستور داد که به شدت مراقب مرزهای مشترک دو کشور باشند و به دقت نقل و انتقالات را زیر نظر بگیرند. وی به گروه‌های جهادی افغانستان هشدار داد که از نزدیکی شدن به مرزهای دو کشور به بهانه تعقیب افراد خودداری کنند. همچنین به افغانی‌های مقیم ایران گفته شد از ورود به منطقه خودداری کنند، به هنگام تصرف هرات توسط طالبان، وزیر امور خارجه افغانستان در ایران بود.

پیش از بسته شدن مرزهای ایران با افغانستان، وزارت کشور اعلام کرده بود که افغانی‌های مقیم ایران را تا پایان سال آینده به کشورشان بازمی‌گرداند. روز پنجشنبه ۹ شهریور حسینی مدیر کل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور، اعلام کرد که تاکنون یک میلیون ۳۰۰ هزار نفر از افغانی‌های مهاجر به افغانستان بازگردانده شده‌اند. وی افزود هنوز یک میلیون و نیم افغانی در ایران هستند که تا سال ۷۶ به کشورشان بازمی‌گردند.

در پی بسته شدن مرزها به

ناتوبه جنگ بالکان پیوست

در طول دو هفته گذشته، تحولات در ارتباط با جنگ بالکان به سرعت به مرحله یک رویارویی تمام‌عیار بین پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) با صرب‌های بوسنی رسید. به دنبال یک حمله خمپاره‌ای صرب‌ها به بازار سارایوو که بیش از ۳۰ کشته بر جای گذاشت، هواپیماهای جنگی ناتو به بمباران اهدافی در مناطق تحت کنترل صرب‌ها در بوسنی - هرزگوین پرداختند. تا هنگام تنظیم این گزارش، ناتو ۱۵۰۰ حمله هوایی علیه مواضع صرب‌ها انجام داده بود. در حالی که منابع ناتو می‌گویند اهداف دارای اهمیت نظامی مانند پادگان‌ها، پل‌ها و تأسیسات مخابراتی عمدتاً آماج بمباران‌ها قرار گرفته‌اند، تلویزیون صرب‌های بوسنی گزارش داد بیش از ۱۰۰ نفر غیرنظامی قربانی حملات ناتو شده‌اند.

روسیه در برابر این حملات به شدت واکنش نشان داد. پاریس یلتسین رئیس‌جمهور روسیه در سخنان شدیداللحنی حملات ناتو را محکوم کرد و گفت این بمباران‌ها از چارچوب مصوبات شورای امنیت سازمان ملل فراتر رفته‌اند و غیرقانونی‌اند. رئیس‌جمهور روسیه خاطر نشان کرد این کشور در صورت تداوم حملات ناتو به صرب‌ها، استراتژی خود در قبال ناتو را مورد تجدید نظر قرار خواهد داد. یک روز بعد نیز یلتسین در یک کنفرانس مطبوعاتی ناتو را به باد انتقاد گرفت و هشدار داد در صورتی که این پیمان نظامی، به سمت شرق گسترش یابد و با روسیه هم‌مرز شود، خطر جنگ اروپا را تهدید خواهد کرد.

علاوه بر عرصه نظامی، آمریکا در هفته‌های گذشته در عرصه دیپلماتیک نیز بر فعالیت‌های خود در ارتباط با بحران بالکان افزود. به دنبال چند هفته مذاکره فرستاده دولت آمریکا با طرف‌های جنگ بالکان، به دعوت آمریکا، جمعه گذشته وزرای خارجه دولت‌های بلگراد (صربستان) و موتته‌نگرو که کماکان یوگسلاوی را تشکیل می‌دهند، زاگرب (کرواسی) و

روزی افغانی‌ها، سیاست پذیرش پناهندگی جمهوری اسلامی تغییر یافت و وزارت کشور اعلام کرد از این پس پذیرش پناهندگان جدید تنها در چارچوب مقررات بین‌المللی، آن هم در شرایطی کاملاً اضطراری، صورت می‌گیرد و از سکونت پناهندگان جدید در شهرها ممانعت خواهد شد. وی برخلاف قانون حقوق بشر سازمان ملل و سایر قوانین بین‌المللی، شرایط پناهندگی را در حد کسانی که کشورشان اشغال شده و یا تحت تعقیب هستند، محدود ساخت و تأکید کرد به افراد تحت تعقیب در صورتی که پناهندگی نیابند، پناه داده خواهد شد و مهاجرت به دلایل اقتصادی، قابل قبول نیست.

وزیر کشور در مورد پناهندگانی که هم‌اکنون در ایران به سر می‌برند گفت: تحت هیچ شرایطی مهلت اقامت مهاجران دارای کارت موقت تمدید نخواهد شد.

رژیم با تبلیغ علیه پناهندگان افغانی و عراقی، عملاً تلاش می‌کند که آنان را بلاگردان خود سازد و چنین وانمود کند که گویا حضور افغانی‌ها و یا چند هزار کرد عراقی عامل بحران اقتصادی، بیکاری، گرانی و ناامنی اجتماعی است. افغانی‌ها و عراقی‌ها به اختیار خود به ایران پناه نیاورده‌اند، آنان برای نجات جان خود از جنگی که در برافروختن آن جمهوری اسلامی بی‌تقصیر نبوده، به ملت ما پناه آورده‌اند. ملت ما وظیفه انسانی خود می‌داند که افغانی‌ها را با آغوش باز بپذیرد و از آنان در چنین شرایط دشواری حمایت کند. بر پیوند دوسنی دو سنت نباید با سیاست غیر انسانی و مصلحت‌جویانه رژیم جمهوری اسلامی لطمه وارد شود.

اختلاف اسرائیل و فلسطینی‌ها بر سر مرحله بعدی خودمختاری

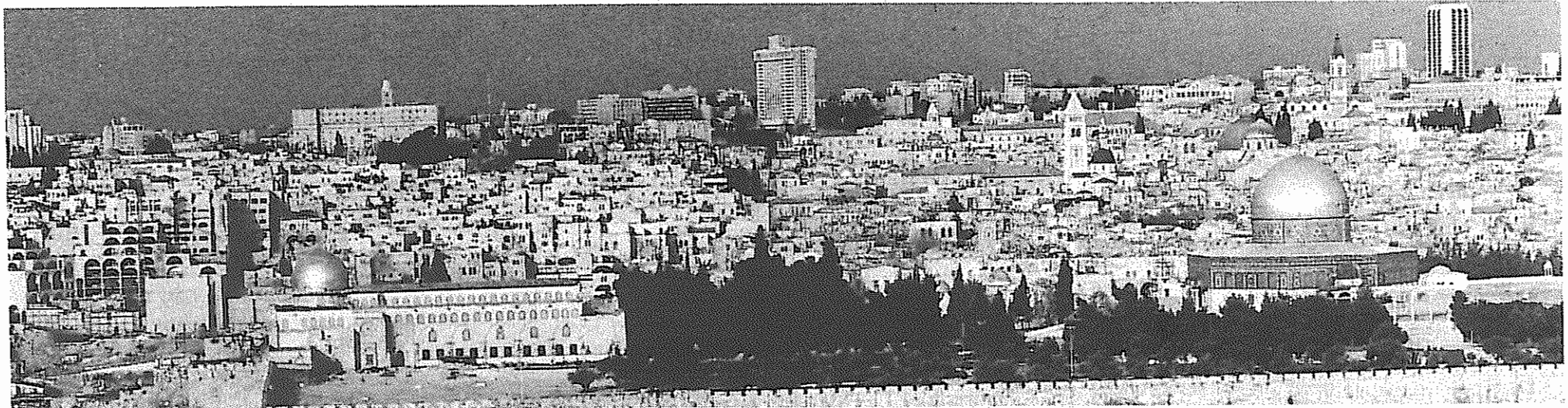
فلسطینی‌ها منجر شده، برگزاری جشن‌هایی است که اسرائیل از هفته گذشته تحت عنوان سه‌هزارمین سال بنیادگذاری بیت‌المقدس بر پا داشته است و حول آن تبلیغات گسترده‌ای به راه انداخته است.

یک پیودی افراطی روی داد و ماه‌ها مذاکرات خودمختاری را دچار وقفه کرد. در این شهر ۷۰ هزار فلسطینی زندگی می‌کنند. موضوع دیگری که در هفته‌های اخیر به بروز اختلاف بین اسرائیل و

می‌خواهد بختی از نیروهای خود را برای محافظت از ۴۰۰ پیودی ساکن الخلیل در این شهر نگه دارد. این چهارصد نفر عمدتاً گرایش‌های افراطی دارند. در الخلیل بود که فاجعه کشتار مسجد ابراهیم به دست

مربوط می‌شود. در حالی که عرفات با استناد به توافق‌های قبلی با اسرائیل می‌گوید قبل از برگزاری انتخابات در مناطق خودمختار، باید ارتش اسرائیل از این مناطق عقب‌نشینی کند. دولت اسرائیل

هفته گذشته یاسر عرفات رئیس‌جمهور خودمختار فلسطینی و شیون پرز وزیر خارجه اسرائیل نتوانستند اختلافات باقی‌مانده بر سر چگونگی گسترش خودمختاری به مناطق وسیع‌تری از کرانه غربی رود اردن را حل کنند. این اختلافات قبل از همه به ادامه حضور یا خروج سربازان اسرائیل از شهر الخلیل



علیرغم آنکه تصاویر بیت‌المقدس، بیانگر هویت چندملیتی و چندمذهبی این شهر است، اسرائیل اینک به بهانه جشن‌های سه هزار سال بنیانگذاری این شهر، می‌کوشد بیت‌المقدس را صرفاً یهودی جلوه دهد